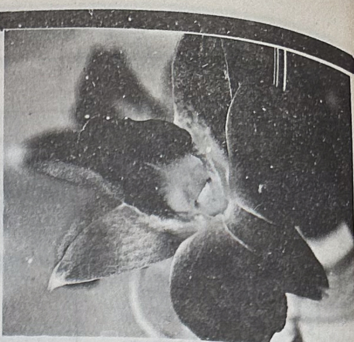
هفته نامه سیاسی ،
فرهنگی ،اقتصادی
ورزشی

نسیم جنوب

هشت صفحه، ۴۰ تومان

پیش شماره هشتم - دوشنبه ۷ اردیبهشت ماه ۱۳۷۷



مصاحبه اختصاصی نسیم جنوب با معاون سیاسی اجتماعی وزارت کشور در خصوص :

انتصابات فراجناحی، نیروهای بومی، احزاب و نهضت آزادی

سال ۷۶ ، سال دوم خرداد در استان بوشهر

جواب ایرج شمسی زاده به مقاله استحاله شعر محلی

اکبر هنرور ، هنرمند موسیقی بوشهر:

مشکل موسیقی بوشهر نبود اساتید خبره است

اقتصاد بوشهر در سالی که گذشت

نگاهی اجمالی به سینمای ایران در جهان

برای مطرح کردن خود دچار اشتباه نشویم

شاهین و ایرانجوان را از نابودی نجات دهیم



عکس از حسین صافی - رود فاریاب ،پشتکوه

ساز تبار شبنم و آهیم
یک لحظه‌ایم، کوتاهِ کوتاهیم
با گریهٔ مهتاب می‌آییم
با خنده‌خورشید می میریم
خطی میان آه تا دم
آه
... آدم

****

نسیم جنوب

مصاحبه اختصاصی نسیم جنوب با معاون سیاسی اجتماعی وزارت کشور در خصوص:

انتصابات فراجناحی، استفاده از نیروهای بومی، احزاب و نهضت آزادی

□ لطفاً انتصاب فراجناحی را از نظر وزارت کشور توضیح دهید.

● فراجناحی از نظر وزارت کشور یعنی ما در انتصاب افراد به دنبال این نیستیم که همه افراد را از یک جناح خاص منصوب کنیم. بلکه به دنبال افراد شایسته‌ای هستیم که صرف نظر از وابستگی آنها به جناحها بتوانند پاسخگوی مسئولیتی که به عهدهشان گذاشته‌ایم باشند به عبارت دیگر ما متعهد در مقابل یک جناح خاص نیستیم که فقط از بین آنها انتصاب کنیم بلکه از بین جناحهای مختلفی که در جامعه وجود دارند و بخصوص آنهائیکه به برنامه‌های سیاسی دولت اعتقاد دارند چهره‌ها و کادرهای سیاسی را انتخاب کنیم و کادرهای غیرسیاسی را طبعاً می‌توان از بین سایر جناحها انتخاب کنیم.

□ راجع به حوزه کار وزارت کشور در استان بوشهر آنچه تا کنون در انتصابات مشاهده شده،بنظر می‌رسد مشی تعادل و تنوع دیدگاههای سیاسی در استان مد نظر مسئولین بوده و این با صحبت شما هماهنگی و همخوانی ندارد؟

● اگر تعادل به این معنی که همهٔ جناحها وجود داشته باشند و یک شرکت سهامی تشکیل بدهیم، اگر این شرکت سهامی منظور کل دستگاه حکومت باشد حرف درستی است بالاخره جناحهای مختلف حکومتی هستند و طرفدارانی دارند و به اندازه وزن سیاسی و اجتماعیشان باید در حکومت نقش داشته باشند. اما اینکه در استانداری یا ادارات کل ما، الزاماً همین شرکت سهامی تشکیل بشود، نه، لزوماً اینطور نیست، ما معتقدیم که افراد شایسته‌ایکه به برنامه‌های آقای خاتمی اعتقاد دارند در بخشهای سیاسی و افراد شایسته دیگر هم در بخشهای غیر سیاسی استفاده بکنیم. نمی‌دانم در استان بوشهر الان این چیزی که می‌فرمائید درست است یا خیر اما فضای کلی ما این است.

تاج زاده:
ما بناداریم بمناسبت بیستمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا را برگزار کنیم.

□ بطور کلی مردم استان بوشهر نیز همانند سایر استانها انتظار دارند که در انتصابات افراد بومی به سبب دارا بودن شرایط ویژه، در الویت باشند. سیاست وزارت کشور در خصوص استفاده از نیروهای بومی چیست؟

● خط مشی دولت بدون تردید استفاده از نیروهای بومی است. ما وحدت ملی خود را ناشی از این می‌دانیم که همه نیروهای بومی سراسر کشور احساس بکنند که در ادارهٔ جامعه شریک هستند و این احساس را اگر داشته باشند وحدت ملی ما بیشتر تأمین می‌شود لذا در کلیت آن با جنابعالی کاملاً موافق هستم. در مصادیق آن و اینکه حالا در کدامین استان و کدامین شهر، کدام شخص مسئول می‌شود عوامل مختلفی در آن نقش دارند. البته اگر دو شخص مطرح باشند که شرایط یکسانی داشته باشند وآن یکی که بومی است از صد واحد که مثلاً در سه واحد هم امتیازش کمتر از غیر بومی باشد حتماً بومی را انتخاب می‌کنیم. اما اگر فاصله زیاد باشد، یا مصلحت دیگر در کار باشد ما ترجیح می‌دهیم به مسائل واقعی مردم بپردازیم



اکثریت مردم خواست اولیه‌شان بومی بودن نیست بلکه خواسته اولیه آنها رفع مسائل و مشکلات واقعی معیشتی، اقتصادی و اجتماعیشان می‌باشد. اگر این کار توسط نیروهای بومی صورت بگیرد حتماً راضی‌تر هستند اما اگر نباشد و مشکلاتشان حل بشود رضایت کلی دارند. از سوی دیگر ما امیدواریم که نیروهای بومی در این فضایی که ایجاد شده بتوانند خودشان را نشان بدهند، چون ما به واسطهٔ نداشتن حزب قدرت شناسایی‌مان محدود است و اگر انشاءالله در این فرصتی که هست بتوانند خودشان را نشان بدهند چه بسا در سالهای آینده به سمت این برویم که با سرعت بیشتری مسئولیتها را در اختیار نیروهای بومی بگذاریم و با ترس و لرز نباشد که خدای ناکرده از پس کار بر نیایند و همه‌اش از استانها و مراکز خاصی ما مجبور شویم از مدیر استفاده بکنیم.

□ مسئله دیگر اینکه اگر راجع به انتصابات مسئولین استان بوشهر بر اساس اصول شایسته سالاری نتوان گفت که تمام مسئولین رده بالا که منصوب می‌شوند صرفاً باید بوشهری باشند، اما اگر از دیدگاه اشتغال بخواهیم نگاه کنیم، برای بکارگیری نیروهای بومی‌استان زمینه های اشتغال بسیار مناسبی وجود دارد، بخصوص در بخش نفت وگاز و موارد دیگر که متأسفانه علیرغم اینکه ما نیروهای متخصص بومی بیکار داریم ولی اکثر شاغلین به‌کار در این مکانها غیر بومی هستند و این غیر قابل توجیه است نظر شما چیست؟

● من در این زمینه اطلاع خاصی ندارم اگر اینجور باشد که جنابعالی می‌فرمائید طبیعتاً این حالت خوبی نیست و این حتماً باید اصلاح شود و دلائل برادران مسئول در وزارت نفت را نمی‌دانم - که در صورت صحت گفته‌های شما - چیست؟ ولی بنظر می‌رسد که حرف شما کاملاً منطقی است و به ویژه اگر نیروی متخصص هم داشته باشیم حتماً باید روند دولت به این سمت باشد.

□ انتخابات شوراها کی برگزار خواهد شد؟

● ما به یاری حق و توفیق الهی بنا داریم که امسال که مصادف با بیستمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی است بتوانیم انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا را برگزار کرده باشیم و این اصل قانون اساسی که تا به حال با دلایل مختلف انجام آن محقق نشده جامهٔ عمل به خود بپوشد.

□ این شوراها چه‌نقش اجتماعی، اجرایی یا مشورتی دارند؟

● در همهٔ این زمینه‌ها نقش دارند، هم اجرایی و هم مشورتی و هم اجتماعی. بالاخره شهردار را اینها انتخاب می‌کنند و ما الان به نیابت از این شوراها برای شهرهای کشور شهردار انتخاب می‌کنیم.

□ آیا در رابطه با فعالیت احزاب مشکلات حقوقی و یا قانونی وجود دارد که بتوان سهمی از عدم رونق و فعالیت احزاب را به حساب انها گذاشت؟

● خیر و یا شاید درصد اندکی را به حساب آن بتوان گذاشت چون از لحاظ حقوقی هیچ مانع جدّی نداریم اما کمیسیون اجرایی که هست البته دولت در آن در اقلیت است ولی در این شش ماه گذشته بنای اعضای دیگر که دو نفر از قوهٔ قضائیه هستند ودو نفر از مجلس شورای اسلامی بر همکاری با دولت بوده لذا الان مشکل حادی نداریم. مشکلی که هست بیشتراین است که خود نیروها باید تشویق و ترغیب بشوند که بیایند حزب تشکیل بدهند و ما هم به آنها مجوز خواهیم داد.

□ از زمان روی کار آمدن دولت جدید چه تعداد تقاضای تشکیل حزب به وزارت کشور رسیده است؟

● شاید با تشکلهای جانبی بیش از پنجاه تشکل تقاضا کرده‌اند اما همهٔ آنها حزب نیستند وآنهائیکه حزب هستند هم معلوم نیست که متاسفانه چقدر جدی هستند، هر چه سریعتر داریم بررسی می‌کنیم که به آنها طبق قانون جواب روشنی بدهیم.

□ آیا نهضت آزادی یک حزب قانونی هست یا خیر؟

● نهضت آزادی هنوز کمیسیون برایش مجوز صادر نکرده است و یک وقتی هم این گروه خواسته بود که خودش را با شرایط روز تطبیق بدهد، کمیسیون احزاب، با این امر مخالفت کرده بود اما ما قبلاً گفتیم که نهضت آزادی می‌تواند با تغییر نام یا وضعیت مؤسسین یا بخشی از اساسنامه بیاید مجدداً تقاضا کند و کمیسیون رسیدگی کند.

□ مبنای غیر قانونی بودن نهضت آزادی آیا همان نامهٔ معروف امام (ره) در مورد این حزب است یا ...

□ خیر کمیسیون در گذشته در دوره‌های قبل بررسی کرده و بنا به نظر کمیسیون ماده ده احزاب اینها چون تخلفات عدیده‌ای از قانون اساسی داشته‌اند به آنها مجوز داده نشده و اینکه چقدر این توضیحات قانع کننده هست یا خیر به عهدهٔ خوانندگان یا سایر مردم باشد.

فرماندار شهرستان دشتی:

۴ میلیارد و ۵۴۰ میلیون ریال جهت پروژه‌های عمرانی به شهرستان دشتی اختصاص یافته‌است

اولین جلسه شورای اداری شهرستان دشتی (خورموج) در سال ۱۳۷۷ با حضور حاجیانی نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی و سایر مسئولین شهرستان برگزار شد. فولادی فرماندار شهرستان طی سخنانی اظهار داشت، از محل اعتبارت بودجه استانی مبلغ ۴ میلیارد و ۵۴۰ میلیون ریال جهت اجراء و تکمیل پروژه‌های عمرانی در سال جاری در شهرستان دشتی اختصاص یافته است. وی همچنین افزود:این اعتبار اکثراً صرف تکمیل پروژه‌های نیمه تمام خواهد شد.

فرماندار دشتی در ادامه به بیانات رهبر معظم انقلاب در پیام نوروزی اشاره کرد و بر ضرورت قناعت و صرفه‌جویی در هزینه‌ها توسط دستگاههای اجرایی تأکید نمود.در ادامه جلسه عنوان گردیدکه سالن ورزشی ۲۰۰۰ نفری خورموج با اختصاص ۶۵۰ میلیون ریال اعتبار تکمیلی در فروردین ماه سالجاری آماده بهره‌برداری می‌شود. همچنین مشکلات شهرستان از جمله ضرورت تعریض مسیر دره‌تاج‌آباد تا بیمارستان ۹۶ تختخوابی، گرانی نرخ آب مصرفی شهروندان خورموجی کاکی و توجه به محرومین مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

در ادامه جلسه حجةالاسلام حاجیانی نماینده مردم شهرستان دشتی، تنگستان، دیر و کنگان در مجلس شورای اسلامی طی سخنانی به استعدادهای بالقوه این شهرستان در زمینه توسعه بخش کشاورزی و صنعت اشاره و از روند کند توسعه در استان بوشهر انتقاد کرد و گفت: علی‌رغم اینکه گاز طبیعی تولیدی استان بوشهر، تمام کشور وحتی خارج از کشور را تأمین می‌کند، متأسفانه از این گاز هیچگونه بهربرداری به استان محروم بوشهر نمی‌رسد. وی درادامه به عدم ارائه برنامه مشخص توسط دستگاههای اجرایی استان جهت توسعه استان اشاره و خواستار مطالعه و برنامه‌ریزی و پی‌گیری دستگاههای اجرایی استان و هماهنگی آنها با نمایندگان مجلس به منظور توسعه همه جانبه استان بوشهر گردید.

حجةالاسلام حاجیانی در ادامه افزود: با تلاش نمایندگان استان بوشهر در مجلس مبلغ ۲۳ میلیارد ریال اعتبار علاوه بر اعتبار تصویبی در سال جاری جهت اجرای پروژه‌های عمرانی به استان بوشهر اختصاص یافت.

کنکوریها! خسته نباشید

مرحله اول آزمون سراسری سال ۱۳۷۷ با شرکت ۹۸۷۶۳۶ نفر داوطلب آزمون سراسری روزهای پنج‌شنبه و جمعه هفته گذشته برگزار گردید.

در آزمون سراسری امسال تعداد ۱۲۸۱۱۸۶ نفر ثبت نام نموده‌اند که از این تعداد، ۹۸۷۶۳۶ نفر داوطلب نظام قدیم و ۲۹۳۵۵۰ نفر داوطلب نظام جدید هستند. داوطلبان نظام جدید تنها در مرحلهٔ آزمون سراسری که تیر ماه برگزار خواهد شد شرکت می‌کنند، در مقایسه با آزمون سراسری سال قبل تعداد ثبت نام کنندگان امسال حدود ۴ درصد افزایش یافته است.

در آزمون سراسری امسال ۱۷۲۵۳۵ نفر در گروه ریاضی و فنی، ۲۸۵۶۸۰ نفر در گروه تجربی، ۵۱۵۳۰۱ نفر در گروه علوم انسانی و ۱۱۵۸۷۴ نفر در گروه هنر شرکت نموده‌اند.

به گزارش اداره کل روابط عمومی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، تعداد حوزه‌های امتحانی در سراسر کشور ۲۶۷ حوزه و در کشورهای خارجی ۸ حوزه اعلام گردیده است.

لازم به ذکر است زمانی که خبرنگار نسیم جنوب برای تهیه گزارش و بدست‌آوردن آمار داوطلبان شرکت کننده استان در آزمون سراسری به یکی از مسئولین برگزاری آزمون در بوشهر مراجعه نمود، وی با وجود در اختیار داشتن تعداد داوطلبان شرکت کننده از استان، از دادن آمار شرکت‌کنندگان به خبرنگار ما خودداری نمود.

تشکیل هیأت منصفه مطبوعات در بوشهر

بزودی هیأت منصفه مطبوعات در بوشهر تشکیل می‌گ... به دستور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، ادارات فرهنگ... ارشاد اسلامی استانها موظف به تشکیل هیأت منـ... مطبوعات در استانها گردیدند.

به موجب اصل ۱۶۸ قانون اساسی «رسیدگی به جر... سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منـ... در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد.» همچنین براسـ... ماده ۳۱ لایحه قانون مطبوعات (مصوب ۱۳۵۸ شو... انقلاب)، هر استان باید دارای هیأت منصفه جداگانه بـ... محاکم مطبوعاتی بدون حضور آنان فاقد وجهه قا... است.

بر طبق مقررات مذکور، هر دو سال یکبار هیأتی مرکـ... رئیس دادگستری و رئیس انجمن شهر (در صورتی... انجمن شهر نباشد، شهردار) و نماینده فرهنگ و ار... اسلامی باید نسبت به انتخاب هیأت منصفه اقدام نما... هیأت منصفه مطبوعات مجموعاً ۱۴ نفر از افراد... اعتماد عمومی از بین گروههای مختلف اجتما... (روحانیون، اساتید دانشگاهها، پزشکان، نویسند... روزنامه‌نگاران، وکلای دادگستری، دبیران، آموزگا... سردفتران، اصناف، پیشه‌وران، کارگران و کشاورز... هستند که ۷ نفر را عضو اصلی و ۷ نفر نیز بعنوان علی‌البـ... در این هیأت عضویت دارند.

برگزاری کارگاه آموزشی معارف در دانشگاه آزاد

شانزدهمین کارگاه آموزشی ویژه اساتید رشته معار... اسلامی دانشگاه آزاد در این دانشگاه در بوشهر برگـ... گردید.

در افتتاح این جلسه، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحـ... بوشهر لزوم کسب صلاحیتهای لازم جهت اساتیـ... دروس مربوطه را خاطر نشان ساخت.

همچنین مدیرگروه رشته معارف اسلامی این واحد نیز... سخنانی، هدف از برگزاری این دوره را تشریح کرد.

لازم به ذکر است که در این کارگاه علاوه بر اساتید درو... معارف اسلامی واحد بوشهر، اساتید واحدهای مخـ... منطقه یک دانشگاه آزاد اسلامی، اساتید دانشگاه عـ... پزشکی بوشهر و دانشگاه خلیج فارس نیز حضور داشتـ...

خاکستر سبز در کانون فیلم

این هفته عصر چهارشنبه کانون فیلم صادق گنجی... بوشهر فیلم خاکستر سبز اثر ابراهیم حاتمی کیا را نمایـ... خواهد داد. بعد از نمایش فیلم جلسه نقد و بررسی فیلم... سالن سازمان تبلیغات اسلامی برگزار خواهد شـ...

پیگیری جدی بر قیمت گذاری و امور توزیع

جهت هماهنگی بیشتر بین سرپرستان واحدهای بازرگا... در استان بوشهر جلسه‌ای با حضور مدیر کل بازرگا... استان و با سرپرستان جدید واحدهای تحت امر برگـ... گردید. در این جلسه مدیر کل بازرگانی، واحدها را به مطالـ... و تحقیق و برنامه‌ریزی در جهت اجرای ماموریتها ترغیب... بر نقش مؤثر آنها در توسعه اقتصادی استان تأکید نمود... سیدجمال‌الدین صمدانی همچنین اظهار نمود: برنامه‌ریزیهای آینده توسعه صادرات غیرنفتی و تأمین... مایحتاج اولیه و نظارت دقیق بر امور توزیع و قیمت‌گذاری... باید بطور جدی ملحوظ شده و از همه امکانات در جهت... وصل به این اهداف استفاده گردد.

برگزاری مسابقات قرآن

یک دروه مسابقات حفظ و مفاهیم و قرائت قرآن کریم ویژه... فرزندان دختر و پسر و همسران شاهد جهت انتخاب... ممتازین توسط بنیاد شهید انقلاب اسلامی برگزار گردید... در این مسابقات که یکصد نفر شرکت کرده بودند، نفرات... برتر جهت شرکت در مسابقات کشوری معرفی گردیدند.

پوزش: در شماره قبل، تاریخ هفته نامه به اشتباه درج شده بود که بدینوسیله از خوانندگان محترم پوزش خواسته وتاریخ صحیح ۳۱ فروردین ماه ۱۳۷۷ می‌باشد.

اقتصاد بوشهر در سالی که گذشت

● پرویز حاجیانی (کارشناس ارشد اقتصاد)

سال ۷۶ را در حالی آغاز می‌کردیم که کشور خود را برای یک رویداد مهم تاریخی آماده می‌کرد، رخدادی که بعداً حماسه دوم خرداد لقب گرفت رخدادی بودکه تمامی مشکلات و نابسامانیهای موجود در استان را تحت‌الشعاع خویش قرار داده بود. فضایی آکنده از انتظار و دلهره وجود داشت و هر چه به دوم خرداد نزدیکتر می‌شد این شور و هیجان دو چندان می‌گردید. مردم به پای صندوقهای رأی رفتند تا سکاندار چهار سال آینده مملکت را تعیین نمایند. خاتمی که چند مدت پیش، اولین سفرهای انتخاباتی خویش را از جنوب آغاز و از استان بوشهر دیدن کرده بود، رای اعتماد و انتخاب توسط مردم را دریافت کرد و مردم بوشهر نیز با اکثریت ۸۴/۸ درصد آراء بعد از استان یزد (موطن خاتمی) او را برگزیدند. انتخابی که بار دیگر منش انسانی و فرهنگ والای بوشهریان را به منصه ظهور مجدد درآورد. بوشهریان نجیب و خونگرم چشم انتظار تحولی عظیم در صحنه کشور و استان بودند.آنها از عملکرد ضعیف مدیران استان به شدت شکوه داشته و اولین قدمهای تحول را در انتخابات ریاست جمهوری جستجو می‌کردند. بعد از انتخابات ریاست جمهوری و تشکیل کابینه تب تغییر و تحولات عمده در سطح مدیران، استان را فراگرفت. مردم انتظار چهره‌های تازه را داشتند. چهره‌هایی که بتوانند تحرکی بزرگ در اقتصاد استان به وجود آورند حرکتی که بعد از سالهای رکود و رخوت ضرورت آن بیش از پیش احساس می‌شد. استاندار جدید وارد شد، مدیران کل یکی بعد از دیگری جای خود را به تازه نفسان دادند در یک نگاه سال ۷۶ را می‌توان سال انتظار و شروعی تازه و سال تجدید مدیریتها نامید.

با این اوضاع در سال ۱۳۷۶ شاهد تحولات و حرکتهایی چند در صحنه اقتصادی استان بودیم که بطور مختصر به بعضی از آنها اشاره خواهیم کرد.

۱- در اسفندماه سال ۷۵ با حضور آقای هاشمی رفسنجانی ولی رئیس جمهور وقت، به استان بوشهر کلنگ شروع عملیات پروژه گاز پارس جنوبی به زمین زده شد و در ابتدای سال ۷۶ عملیات اجرایی این طرح بزرگ در منطقه عسلویه آغاز گردید طرحی که بدون شک نقش زیادی در تولید ملی خواهد داشت. نکته قابل ذکر در رابطه با طرحهای ملی آن است که اولاً در سالهای اخیر در مقایسه با سایر استانها فقط شاهد چند طرح ملی در سطح استان بوده‌ایم ثانیاً آن چند طرح ملی نفت وگاز اجرا شده نیز نتوانسته‌اند خود را در عمران استان بخوبی ایفا نمایند و یک نقش اولیه که از این طرحها متصور است نقش اشتغال گرایی آنها است، ولی نرخهای بالای بیکاری موجود استان شاهد این مدعا است که در این زمینه مشکلات عدیده‌ای در راه جذب نیروهای کار جوان استان دراین طرحها وجود دارد

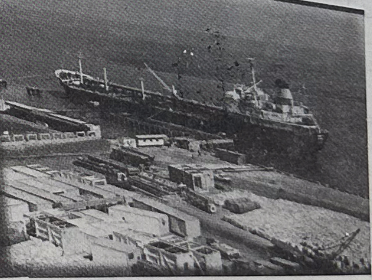
در ابتدای سال ۷۶ شاهد تصویب بازارچه مشترک مرزی ایران و قطر در هیات دولت بودیم و هیأت محترم دولت از میان سه بازارچه پیشنهادی بازارچه کنگان، گناوه بوشهر، سرانجام بازارچه مشترک بوشهر را تصویب کرد. براساس تصوبیه هیات وزیران این بازارچه می‌تواند ۵ میلیون دلار صادرات و ۵ میلیون دلار واردات در سال انجام دهد بازارچه مشترک بوشهر با فراز و نشیبهای فراوان کار خویش را آغاز کرد و توانست در ماههای آخر سال محصولهایی را صادر نماید و طبق گفته‌های مدیر بازارچه، انتظار می‌رفت که تا آخر سال کالاهایی وارد و به تدریج بین مردم توزیع شود که البته این امر عملی نشد. این بازارچه و بازارچه‌هایی از این قبیل اگر با برنامه‌ریزی درست هدایت شوند می‌توانند نقش مهمی را در تعدیل بازار داخلی ایفا نمایند و منافع صادر کنندگان را تا حدودی تامین نمایند.

زمینهای خشک و تفدیده در آفتاب بار دیگر آغوش خود را روی ترنم باران، این رحمت الهی گشود و با آب تجدید حیاتی دوباره نمود، قطره‌های بارانی که با خود نوید خوش وعده می‌داد. کشاورزان بوشهری چنین سالی را کمتر به خاطر دارند. کشاورزی استان صرف نظر از بارندگی ناب در سال جاری حرکت بطئی و آهسته خود را ادامه داد. آنچه مسلم است کشاورزی بوشهر دارای مشکلات زیادی است که مهمترین آنها کمبود و استفاده نامطلوب از عوامل اصلی تولید از قبیل آب، زمین مناسب، نهادهای تولید (کود، سم، ماشین‌آلات و) مدیریت است. شاید بتوان مشکل اصلی کشاورزان بوشهر را کمبود آب مناسب و کافی دانست که تامین آن کاری مشکل ولی ناشدنی نیست و تنها به برنامه‌ریزی صحیح و امکانات کافی می‌خواهد که با گسترش فعالیتهای آبخیزداری و همینطور انتقال آب از رودخانه‌ها از تلف شدن آبهای سطحی در فصلهای بارندگی و پرآب جلوگیری کرد. استفاده مناسب از آبهای موجود و جلوگیری از اتلاف آن، همچنین کاشت محصولات مناسب در فصول سرد سال که در دیگر مناطق کشور عملاً به علت وجود برف و سرما امکان کشتشان وجود ندارد می‌تواند درآمد سرشاری را نصیب کشاورزان نماید.

در این سال شاهد فعال شدن شورای کشاورزی استان و کمیسیونهای تخصصی آن بودیم که اگر خوب هدایت شود می‌تواند روزهای روشنی را برای کشاورزی استان نوید دهد. مهمترین محصول کشاورزی استان یعنی خرما باز هم از پیمان ارزی و وضعیت نامناسب بازاریابی و..رنج برد و بنظر می‌رسد در سال جاری با عنایت به تصویب قانونی که صد در صد از ارز صادراتی را در اختیار صادرکنندگان قرار می‌دهد تا حدودی شاهد صادرات بیشتر خرما باشیم.

۴- بندر ویژه اقتصادی استان بوشهر را شاید بتوان بزرگترین جرقه اقتصادی استان بوشهر در سالهای اخیر برشمرد. بوشهر با همه توانمندیهایش -که بندر آزاد کمترین حق آن بود - سرانجام مُهر بندر ویژه را بر پیشانی خود دید. قدم بعدی، بعد از تصویب منطقه ویژه اقتصادی بوشهر، تعیین سازمان مسئول منطقه ویژه تجاری و صنعتی بود که سازمان بنادر و کشتیرانی بعنوان سازمان مسئول منطقه ویژه تجاری و شرکت تازه تأسیس عمران و توسعه استان بوشهر بعنوان سازمان مسئول منطقه ویژه صنعتی انتخاب شدند.

بندر ویژه اقتصادی بوشهر در دو بخش تجاری و صنعتی قبل از هر چیزی به زیرسازی اقتصادی نیاز دارد، مسلم است که زیربناهای لازم در این منطقه محروم نیاز به سرمایه‌گذاریهای عمده‌ای دارد که در وضعیتهای موجوداز عهده استان بوشهر خارج است، مگر اینکه دولت و سایر



مسئولین دست اندرکار بنادر آزاد با تمهیدات لازم زیرساختهای بندر ویژه را سامان دهند و اگر این کار-ایجاد زیربناهای لازم- عملی نشود و یا کند صورت گیرد امید به سرمایه‌گذاری مناسب داخلی و خارجی در زمانی که سایر مناطق ویژه رقیب شرایط مساعد و سهل‌تری را جهت جلب سرمایه‌گذاران ایجاد می‌نمایند امری عبث و بیهوده خواهد بود. بندر ویژه این توان را دارد که چون "پلی" استان بوشهر را به سوی عمران و آبادی رهنمون سازد ولی خود نیاز به برنامه‌ریزی، سیاستگذاری مناسب، مدیریت و از همه مهمتر "میل به خواستن" دارد. لب کلام بندر ویژه فی‌نفسه خود معجزه نمی‌کند بلکه کارگزاران آن هستند که با برنامه‌ریزیهای اصولی خود می‌توانند زمینه را برای رشد و نهایتاً ثمردهی آن فراهم نمایند.

۵-صنعت، این بخش مهم اقتصادی علیرغم افزایش تعداد موافقتهای اصولی و پروانه بهره‌برداری نسبت به سالهای گذشته همچنان با مشکلات عدیده‌ای دست و پنجه نرم می‌کند. واحدهای صنعتی غیر فعال استان بیش از ۲۱ درصد بوده و آن واحدهای صنعتی فعال نیز از مشکلات عدیده اقتصادی رنج می‌بر ند بیشتر واحدهای صنعتی ایجاد شده در طی سالهای اخیر نیمه تمام رها شده‌اند و بنظر می‌رسد تسهیلات اعطایی در بخش صنعت بدون داشتن یک برنامه مناسب عملی شده است. برخی از استفاده کنندگان ازاین تسهیلات به صرف داشتن یک طرح توانسته‌اند از این منابع استفاده نمایند که در این میان آنهاکه زرنگتر بوده‌اند منابع را از سیر واقعی خود خارج کرده‌اند و دیگران فقط منابع را تلف کرده‌اند. در این میان واحدهای صنعتی را می‌توان نام برد که دور چند هکتار زمین را فقط نرده و دیوار کشیده و یک لوله نیز در وسط زمین بنا کرده‌اند و با مدیریت مناسب! در همین حد منابع را تمام کرده‌اند. امروزه یک واحد صنعتی برای بقا و ادامه تولید با دستگاههای مختلفی ارتباط دارد مانند: صنایع، تعاون، جهاد، بانک ، زمین شهری، منابع طبیعی و عملاً مشاهده می‌شود که این دستگاهها دارای یک استراتژی مشترک، متحد و هماهنگ و کلان که در جهت منافع و توسعه اقتصادی استان باشد نیستند و هریک از این دستگاهها در چارچوب قوانین خود به مسئله نگاه می‌کنند، این خود مشکلات زیادی را برای صاحبان صنایع که بعضاً نوپا هستند ایجاد می‌کندکه بعد از مدتی آنها را سرشکسته، فاقد انگیزه و ناتوان می‌سازد.

از مهمترین مشکلات بخش صنعت استان بوشهر ضعف مدیریتها، نداشتن مهارتهای لازم در اجرای واحدهای صنعتی توسط مدیران این واحدها، نداشتن سرمایه لازم و قوانین دست و پا گیر بانکها، همسو نبودن فعالیتهای دستگاههای اجرایی متولی بخش صنعت و نداشتن یک استراتژی مناسب در بخش صنعت استان را می‌توان ذکر کرد که لزوم بازنگری مجدد سیاستهای صنعتی استان را ضروری می‌سازد.

۶- زمانیکه گرما و شرجی بیداد می‌کرد، صیادان زحمتکش به منظور یافتن قوت لایموت خود به دریا زدند تا توشه خویش را از خوان گسترده او بگیرند. ماههای مرداد و شهریور زمان جولان صیادان میگو بود و این جانور خوش طعم و مغزی و دارای قدرت ارزآوری برای کشور بار دیگر خود را برای صیادان عرضه کرد. صیادان در این سال به مدت ۴۷ روز به صید پرداختند و توانستند در مجموع در پایان فصل صید ۱۳۷۰ تن میگو استحصال کنند. که نسبت به سال ۷۵ که جمعاً ۴۲ روز صید و ۲۱۵۱ تن میگو استحصال شده بود در حدود ۳۶ درصد کاهش نشان می‌دهد. چرا با توجه به اینکه سالها شعار حفظ و افزایش ذخایر را سر می‌دهیم و ممنوعیت صید در فصول دیگر سال را مدنظر داریم صیدمان کاهش یافته؟ ممکن است عده‌ای دلایلی از قبیل کمی بارندگی‌ها، مسائل طبیعی و..را بعنوان توجیه مطرح نمایند ولی باید دانست مشکل در جای دیگر است.

موضوع مهم دیگر در رابطه با میگو چگونگی مدیریت صحیح در هنگام فصل صید میگو است که شامل دادن خدمات لازم به صیادان، خرید میگو از آنها و توزیع میگو بین مصرف‌کنندگان و عمل‌آوران می‌باشد، هنوز بعد از سالها تجربه و استفاده از روشهای آزمون و خطا باز بد عمل می‌کنیم. شاید لازم باشد در این زمینه از همین حالا به فکر فصل برداشت آینده که خیلی زود فرا می‌رسد باشیم.

۷- در سال ۷۶ برنامه ایران ۱۴۰۰ با هیاهوی بسیار توسط دولت وقت مطرح شد، برنامه‌ای که بنظر می‌رسید اگر با دقت، فرصت و تامل کافی صورت می‌گرفت می‌توانست به خوبی دورنمای کشور برای ۲۵ سال آینده را به تصویربکشد و عملاًکشور را از روزمرگی و بی‌برنامه‌ای نجات بخشد ولی مشاهده شد که در کمتر از چند ماه سرهم بندی شد و بدون انجام شدن یک مطالعه دقیق و عملی، همان مباحث، توضیحات و جزوات قدیمی به هم چسبانده شده و عملاً باربرنامه‌ای آن را به کمترین مقدار کاهش داد. طبیعی است برنامه‌ای که در مدت کمتر از شش ماه و با فقدان آمار و اطلاعات لازم تهیه گردد نمی‌تواند افق کشور را در ۲۵ سال آینده ترسیم نماید.

۸- شاخص بها و کالاهای خدمات مصرفی در مناطق شهری کشور که توسط بانک مرکزی تنظیم و مبین تورم و تغییرات سطح عمومی قیمتها است در تمام ماههای سال نشان داد که استان بوشهر در گروههای بهداشت و درمان و برق، آب و سوخت در میان استانهای کشور بالاترین شاخص (چهاررقمی) را داراست که مبین قیمتهای بالای این دو گروه در استان بوشهر در مقایسه با دیگر استانهای کشور می‌باشد. در اینجا جا دارد مسئولین امر با دقت لازم این موضوع را مورد بررسی قرار داده و علل و عوامل مسئله شناخته گردد.

۹- در این سال همچنین عسلویه این بندر ژئوپلیتیک استان بوشهر در صدر اخبار استان قرار داشت. بندر عسلویه یکی از بنادر زیبا و با موقعیت ممتاز است. این بندر دارای توانمندیهای بالقوه زیادی است که حتی می‌تواند بعنوان یک بندر آزاد نیز مطرح شود. سؤالی که در این زمینه مطرح است این است که ما برای عسلویه چه کرده‌ایم؟ چرا وقتی مسئله الحاق عسلویه به استان فارس مطرح شد مخالفت کردیم؟ مخالفت کردیم که عسلویه را عقب نگه داریم یا مخالفت کردیم که از عسلویه استفاده بهینه بعمل آورده و از آنجا در توسعه استانمان استفاده کنیم و از فوایدش منتفع و از مضرات الحاقش به فارس جلوگیری کنیم. چرا چند روز هیاهو و بعد ناگهان عسلویه‌ها را فراموش می‌کنیم؟

۱۰- در سال ۷۶، همایش سراسری اتاقهای بازرگانی و صنایع و معادن ایران در تاریخهای ۷ و ۸ اسفند ماه برگزار شد. در همین سال کمیته توسعه صادرات غیرنفتی بعد از سالها فراموشی حرکت خود را آغاز کرد. ودر روزهای پایانی سال اولین جلسه هسته مطالعات بازرگانی اداره کل بازرگانی تشکیل گردید.

خلاصه کلام در سال ۷۶ شاهد حرکتی نو در چرخه اقتصادی استان بوشهر بودیم حرکتی که بعد از سالها رکود و سستی در اقتصاد استان آغاز گردید. حرکتی که اگر با مدیریت توانمند و برنامه‌ریزی مناسب هدایت شود نیل به اهداف اجتماعی و اقتصادی دور از دسترس نخواهد بود. و می‌تواند نوعی خوشبختی را نسبت به آینده استان بوشهر برانگیزد. باشد که شاهد آن روز باشیم.

در حاشیه اجرای موسیقی محلی استانها

عجب فرخنده نوروزی

● جمال صولتی

اجرای موسیقی محلی استانهادر ایام برگزاری جشن بزرگ فرهنگ - خصوصاً اجرای ساحلی آن- حادثهٔ جالبی بود که جای تأمل و تفکری عمیق دارد.

چندی پیش و در همین نسیم جنوب، نویسنده‌ای در یک مقالهٔ بحث‌انگیز - معرفی روشنفکران اشتباه محض است - با طرح سؤالی معترضانه‌ای که «مگر در دوم خرداد چه اتفاق مهمی رخ داده است؟»، تصریحاً ادعا کرده بودکه هیچ اتفاقی نیفتاده است!! و سپس نویسنده دیگری در مقاله‌ای با عنوان «خفاشان در نسیم جنوب»، همان خط را پیگیری کرده و به نحو دیگری به انکار دوم خرداد پرداخته و تلویحاً تعطیلی اهداف حماسه مذکور و برنامه‌های مطروحهٔ آقای خاتمی را - حداقل در استان بوشهر - تقاضا کرده بود.در آخرین شماره نشریه نیز، فرد دیگری، ضمن حمایت جانبدارانه از دیدگاههای دو مقاله فوق‌الذکر، بالصراحه و درکمال بی‌پروایی - البته رو راست‌تر از نویسندگان قبلی - حادثهٔ مردمی دوم خرداد را واقعه‌ای در تضاد با ارزشهای دینی معرفی نموده و همفکران خود را به مقابله - لابد فیزیکی - با این رخداد عظیم ملی که مورد تأیید قاطبهٔ ملت ایران است - بجز آنان که خود را قیم دین و مردم می‌دانند - تشویق و ترغیب کرده بود.

ایکاش این نویسندگان محترم، درشب‌های ۲۶ و ۲۷ فروردین ماه درکنارهٔ غربی دریای بوشهر حضور می‌داشتند تا به عینه می‌دیدند که: اولاً در دوم خرداد سال ۷۶، آنچنان حادثهٔ تکان دهنده و فوق‌العاده‌ای در مملکت ما رخ داده است که به تصور هم نمی‌گنجید. هر چند که آنچه راکه می‌دیدند، تمامی واقعیتها نبود. ثانیاً، دستیابی به اهداف این حماسهٔ بزرگ و اجرای برنامه‌های اعلام شدهٔ ریاست محترم جمهوری، به دلیل حضور و خواست قلبی توده‌های مردم، با هیچ ترفند و تهدیدی، تعطیل بردار نیست. ثالثاً آنچه که مردم در این روز تاریخی به خلق و ظهور آن همت گماشته نه تنها در تضاد با ارزشهای دینی و انقلابی مردم نبوده و نیست ،بلکه درست در راستای آن‌قرار داشته و در جهت خواسته‌های عمیق وچند ده ساله‌ای است که در روز ۲۲ بهمن ماه سال ۵۷، رژیمی مستبد و خودکامه را به زیر کشید. البته در این مقاله، نه به قصد پرداختن به نامه‌های آن عزیزان نویسنده است، و نه تحلیل و بررسی همه جانبهٔ رویداد مهم دوم خرداد سال ۷۶، بلکه بیان یک گوشهٔ کوچک از هزاران اثر میمون و مبارک حادثه‌ای است که ملت بزرگ و آگاه ایران، در آفرینش آن، نقش نهایی را ایفا کرده است

شاید اگر گفته شود که آن تحولی در جامعه مثبت است که قلوب از هم گسیخته را در سطح ملی به هم گره بزند و باعث همزیستی مسالمت‌آمیز بینشهای متفرق گردد، گزافه گویی نباشد یا به عبارت دیگر، چنانچه مدعی شویم که آنچه انسانها را وامیدارد تا در طول تاریخ ملی خود، دگرگونیهای مثبتی را در ساختار اجتماعیشان موجب گردند، همانا نیاز شدید به کسب عناصری است که نبود یا کمبود آنها، روابط و مناسبات مثبت انسانی فی مابین آحاد جامعه را دستخوش زیانهای نابودکننده می‌نماید، و مهمترین این عناصر، همانا همدلی و همبستگی ملی است، ادعای نادرستی نباشدو رخداد دوم خرداد سال ۷۶ یکی از مهمترین تحولات مثبت اجتماعی است. زیرا به شهادت حوادث و رویدادهای شگفت‌انگیزی که طی این یک سال در کشورمان به ظهور رسیده، چیزی که ملت ما در انتخابات اخیر به دنبال آن بود، به راستی که همین عنصر وحدت ملی در سایهٔ مشترکات قومی بود که متأسفانه به دلایلی،در معرض مخاطرات جدی قرار گرفته بود و می‌دانیم که در سایهٔ همین همبستگی و پیوند است که تحمل انسانها در پذیرش صورت‌های ظاهری تمایلات درونی هموطنانشان، بطور چشمگیر و درخور ستایشی، افزایش می‌یابد و این ارتقاء خصلت تحمل‌پذیری دیگران، به نوبهٔ خود، همبستگی عاطفی را بارور ساخته و توسعه می‌دهد. علی‌النهایه اینکه در پناه همین عاطفه‌مندی و محبت آمیزی است که جامعه وارد مرحلهٔ تازه‌ای از ثبات و اقتداری می‌شود که ضمن تثبیت حاکمیت بلامعارض ملتها بر سرنوشت خود، آنها را برای حل تمامی معضلات عدیدهٔ اجتماعی، بسیج نموده و همسو و هم جهت می‌گرداند. باری، آنچه که در شبهای ۲۶ و ۲۷ فروردین ماه و در همین بوشهر خودمان شاهد بودیم، نمونه زیبا و خارق‌العاده‌ای از همین محبت‌آمیزی برخاسته از تحمل‌پذیری ناشی از وحدتی بود که تحول اجتماعی دوم خرداد، آن را حاصل کرده بود. پدیده‌ای که یک سال پیش از این، احتمال رؤیت آن، به خواب و خیالی بیشتر شباهت نداشت.روایت، بسیار کوتاه و در عین حال بسیار عمیق و تفکر انگیز است: دولتی‌که تا چندی پیش برای راه‌اندازی یک جشن عروسی معمولی، ده‌ها نوع تعهد والتزام از صاحب معرکه می‌گرفت که مبادا صدای کف‌زدنی حتی از دیوار خانه به بیرون سرایت کند، خود بانی خیر می‌شود وده‌ها نوازنده و خواننده را از استانهای مختلف در یکجا جمع می‌کند تا در یک فضای باز و سرشار از نشاط و سرزندگی و در حضور نمایندگان حکومت، برای صدها تن زن و مردی که به تماشا آمده‌اند، بنوازند و بخوانند! ولی زیباتر و جالبتر و شگفت‌انگیزتر آنکه، در میان جمعیت انبوه سرخوش تماشاچی، عده‌ای حضور می‌یابند که برای همگان آشنایند. و اینان همان کسانی هستند که تا پیش از این، تمامی هوش و گوش و ذکاوت خود را در خدمت آن گذاشته بودندکه در کجای شهر جشن و سروری برپا است و صدای نوایی بلند است تا فی‌الفور، به شکستن سازودل ساز زن، و حرمت میهمان و میزبان، همت گمارند. و از دیگر سوی مردمی حضور دارندکه سالیان دراز، تمایل غریزی خود را به شادی و نشاط، از ترس حضور همین جماعت، به بند کشیده بودند.و جالب است اگر گفته شود که در چهره هر دوگروه، نشاطی موج می‌زد که‌غیرقابل نهفتن بود. و اینجاست که یکی بودن و همدلی، معنای مجسمی می‌یابد. پس بیهوده نیست که اگر دوستی، هیجان زده، در کنارم زمزمه می‌کند:

نی‌شکنان و نی‌زنان، هر دو بهم یکی شدند
سنگ رفیق شیشه شد، زین همه اقتدار ما

و پی می‌بریم که واقعاً در دوم خرداد ۷۶، مردم ایران چه گلی کاشته‌اند! گلی که از آن بوی محبت و همدلی و صفا و سرزندگی می‌تراود، و وحدت و یکپارچگی ملی را نوید می‌دهد. گلی که دولت و ملت را دریک غروب گرم بهاری جنوب، درکنار آبی خلیج، به یک شادی مشترک فرا می‌خواند. گلی که هیچ خاری را بر نمی‌تابد و فقط به‌گل بودن می‌اندیشدکه زیبااست. و زیبایی، همان خدااست.

اکبر هنرور، هنرمند موسیقی بوشهر:

مشکل موسیقی بوشهر نبود اساتید خبره است

فراز و نشیبهای تاریخی همانگونه که آداب و سنن متفاوتی در بوشهر خلق کرده، تأثیر بسزایی نیز بر فرهنگ و ادب این مرز و بوم برجای گذاشته که قابل تعمق است و به همان نسبت هم بر اصوات و ترانه‌ها اثری مطلوب نهاده است. این تأثر که ریشه در تاریخ کهن و باستانی دارد و از ارتباط با بیگانگان و سوداگران بوجود آمده، مشحون است از مقاومتهای دلیرانه، شکستهای غم‌انگیز و مهاجرتهای ناخواسته و کوچ کردنهای ظالمانه. موسیقی بوشهر دریافتی به حتم این چنینی دارد و شاید به همین لحاظ است که گاهی تا سر حد شعف و ترنم پیش می‌رود و زمانی دیگر نوای شروه تا اعماق دل می‌نشیند و [illegible] اشک را از دیده روان می‌سازد، بدون تردید اثرات این تضاد چشمگیر که می‌تواند زاییده تفاوت جغرافیایی محیط نیز باشد، تأثیرش بر موسیقی سنتی ایران اجتناب ناپذیر بوده؛ چرا که ریشه دراعماق خراستگاه انسانیت دارد. اکبر **هنرور** به جرأت از برجسته ترین چهره‌های موسیقی سنتی بوشهر است. او بعنوان هنرمندی متعهد و با استعداد، سالها پیش تلاش نموده تا خود را از قید موسیقی متداول و مرسوم رهاسازد و زبانی ویژه که ریشه در ارزشهای قومی زادگاهش داشته بیابد. او بدنبال کشف اصواتی جدید برای سازهای ایرانی بود. ارتباط با سرچشمه موسیقی شرق برای رسیدن به خاصیتی فی‌البداهه یعنی خلاقیتی آنی که مخصوص ملل زجر کشیده شرق است. وی دریافت در حال حاضر موسیقی احتیاج به یک چنین روالی دارد که در واقع نوعی احیای سنت است. بخصوص رابطه حسی بین نوازنده و شنونده. در این گفتگو، اکبر **هنرور** درباره بن بستهای موسیقی سنتی، تجزیه و تحلیل آثار به اجرا درآمده و باورهای خود از موسیقی بوشهر با هفته نامه نسیم جنوب سخن می‌گوید.

□ برای شروع خوب است که خوانندگان نسیم جنوبی اندکی بیشتر با شما آشنا شوند، لطفاً قدری از زندگی‌تان بگویید.

● در اواخر اسفند ماه سال ۱۳۲۹ در محله بهبهانی بوشهر بدنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در بوشهر به پایان رسانیدم. و در سال ۱۳۵۴ درتهران موفق به اخذ لیسانس بازرگانی گردیدم.

□ چگونه با هنر آشنا شدید و مشوق اصلی شما در عالم موسیقی چه کسی بود؟

● تا آنجا که بخاطر دارم همیشه شیفته هنر و موسیقی بودم. چنان در این زمینه عشق و شور نشان می‌دادم که بزرگ و کوچک خانواده تحت تأثیر من بودند. آنقدر واله و شیدای موسیقی بودم که هیچ تشویقی به گرد آن نمی‌رسید وهیچگونه مانعی جلودار آن نبود مگر عدم امکانات آموزشی که درآن زمان واقعاً صفر بود. کسی نبود که کوچکترین راهنمایی در ابتدایی ترین شکل آن انجام دهد. تنها رادیو بود و بس. چشم و پا و دست بسته‌ای بودم در میان گلستانی خوشبو که لمس گل و گیاه آن برایم مقدور نبود، تا اینکه در شیراز ساز و ویلون را در خانه یکی از آشنایان دیدم. آنموقع یازده سال داشتم. آن آشنای



نوازنده خیلی دلنشین ساز می‌زد آنقدر که شیفتگیم را صد چندان کرد و اشتیاق در تارو پودم دوید. مجدانه به پدر و مادرم اصرار کردم تا متقاعد شدند و بالاخره برایم ساز و ویلون خریدند. ولی افسوس با ساز بدون استاد هیچ ندایی از ساز بر نمی‌خاست. چیزهایی پیش می‌زدم ولی روی حساب و کتابی نبود. دردسرتان ندهم بالاخره کلاس پنجم دبیرستان بودم که توسط یکی از دوستان هنر دوست در شیراز به جوانی که تقریباً همسن و سال خودم بود و خوب ویلون می‌زد معرفی شدم و درمدت بسیار کوتاهی حدوداً دو ماه آنهم در تابستان که مدارس تعطیل بود و فراغت فراوان، درنزد او به یادگیری پرداختم. همچنین موفق شدم در مدت باقی مانده تحصیلم در چند کنسرت شرکت کنم و حتی به تنهایی قطعاتی را اجرا نمایم. در دوران تحصیلم در تهران مجدداً در هنرستان موسیقی مدتی آموزش دیدم و ساز کمانچه را هم زیر نظر اساتید فن آموختم.

□ شما چه شیوه‌ای برای جذب هنرجویان عالم موسیقی پیشنهاد می‌کنید؟ می‌دانید که جوانانی که مثل گذشته خود شما مشتاقند که ساز ایرانی بیاموزند بسیارند؟

● بنده با تمام وجود در خدمت جوانان علاقمند به موسیقی هستم. در ضمن اجرای کنسرتهای موفق می‌تواند در جذب هنرجو مؤثر باشد. لذا چنانچه جهت آموزش به بنده مراجعه کنند تمام جدیت خود را در راه آموزش آنان بکار خواهم برد.

□ فکر می‌کنید عمری که صرف هنر موسیقی کرده‌اید بیهوده هدر رفته یا نه؟ آیا واقعاً راضی هستید؟

● از وقت و عمری که که در راه موسیقی صرف کرده‌ام راضی هستم، افسوس می‌خورم که چرا امکاناتی برایم فراهم نبود که حالا در شرایطی بالاتر از این قرار داشته باشم. دوست داشتم که می‌توانستم بیشتر پاسخگوی نیاز هنرجویان این رشته شوم. زیاده نمی‌گویم، هیچ مسئله مادی نمی‌تواند به اندازه موفقیت دراین رشته حتی اگر اجرای خوب قطعه‌ای کوچک باشد مرا خوشحال کند.

□ بزر گترین مشکل موسیقی سنتی بوشهر چیست؟

● نبودن اساتید خبره موسیقی در استان و مشکل دیگر که خیلی مهم است، هوای گرم و مرطوب که اصلاً سرناسازگاری با سازهای ایرانی علی‌الخصوص تار و کمانچه دارد. البته انتظار می‌رود با تأسیس هنرستان موسیقی مشکل کمبود استاد برطرف گردد. ولی تا آن زمان دعوت از اساتید اگر شده برای دو سه روز در ماه از جانب اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی امری ضروری است که امیدواریم تحقق یابد.

□ به لحاظ طبیعت مطلوب و متضادی که در جنوب است لاجرم موسیقی بخصوصی زاده شده است. شما بعنوان یک استاد که سالهاست در این زمینه تحقیق کرده‌اید و عمرتان را برسر اینکار گذاشته‌اید، آیا به گوشه‌های ناب و کم نظیردر عالم موسیقی جنوب رسیده‌اید یا خیر؟

● می‌توان گفت تا کنون تنها از بخشهای محدودی از موسیقی بوشهر استفاده شده، ما در گروه موسیقی مفتون در بضاعت خودمان سعی کرده‌ایم که در کارهایمان از نواها و قطعات نهفته در موسیقی بوشهر استفاده کنیم. شروه را بصورت ردیف آوازی درآوریم و همچنین بیت خوانی را اجرا کردیم که تاکنون هم موفق بوده‌است. این قطعات درجشنواره دههٔ فجر سالهای ۶۷ و ۶۸ درتهران واقعاً هیأت داوران را بوجد آورد و به تحسین واداشت. حتی داوران از جایگاه ویژه خود برخاستند و گروه را مورد تشویق قرار دادند و یکی از داوران با شعف گفت «به راستی که آبروی موسیقی جنوب را خوب حفظ کردید».

□ همینطور که مستحضر هستید بیشتر بار موسیقی بوشهر را شرایط آئینی ومراثی بر دوش می‌کشد شما چقدر توانسته‌اید از این مولودیهای مذهبی سود ببرید و در آثارتان استفاده کنید؟

● همینطور که می‌فرمائید موسیقی بوشهر بیشتر در مراسم مذهبی و آئینی نهفته است. ما از آن استفاده فراوان برده‌ایم و خواهیم برد، نوحه و ذکرهای ما مطابق دستگاههای موسیقی اصیل ایرانی است و سازهای اصیل ایرانی قادر به اجرا و ادامه آن می‌باشد.

□ اگر مقدور است برای حسن ختام مثال بیاورید تا برای خوانندگان نشریه قضیه ملموس تر شود.

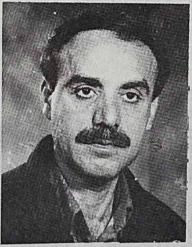
● بطور مثال همین مراسیم تشییع جنازه که در آن مطالبی حزن انگیز و اشعاری تکان دهنده خوانده می‌شود در دستگاه چهارگاه است که نشان از بانگ حرکت و سفر به دیاری دیگر دارد و به نظر این جانب کسی که این آهنگ را ابداع کرده اگر در آن زمان تعلیم می‌دید شاید نام او هم اکنون در ردیف بزرگترین موسیقی دانان این مرز و بوم به ثبت می‌رسید. بطور کلی اشعار و آهنگهایی که از قدیم درمراسم سینه زنی و نوحه خوانی بکار گرفته می‌شد و هم اکنون برخی از آنان هم استفاده می‌شود همگی بجا و مناسب بوده‌اند. جایی که غم بوده گوشه دشتی آمده، غم همراه با قدرت و تحکم همایون، بیان مصائب و آماده شدن برای رزم با کفار ماهور و هاکذا، لازم به اشاره است که هم اکنون با همکاری خوب صدا و سیما مرکز بوشهر در حال ثبت و ضبط قطعات تهیه و تنظیم شده در همین زمینه در گروه مفتون هستیم.

نگاهی اجمالی به

سینمای ایران در جهان

(قبل و بعد از انقلاب)

● احمد آرام



سینمای قبل از انقلاب

سینمای قبل از انقلاب به لحاظ نگاه بورژوازی روشنفکرانه به موضوع های تأیید شده نتوانست جایگاه رفیعی در سینمای جهانی بدست آورد. ممیزی کشنده در امر تصویب فیلمنامه‌ها، رویکرد اغلب فیلمنامه‌نویس‌ها را به واقع نگاری، دچار تزلزل و یکسویه نگری و بعضاً قلب واقعیت کرد. فضای آزاداندیشی تنها در باب نگارش فیلمنامه های فیلمفارسی مهیا گردید و دولت دراین زمینه هر چه بیشتر با تبلیغ فساد و رواج صحنه های اروتیک، اذهان عموم را به سمت و سوی ژانری از سینمای کاذب کشاند. در این بحبوحه و در میان نابسامانی چشمگیر تولیدات داخلی، «کانون سینماگران پیشرو» توسط چند فیلمساز فهیم در جهت اعتراض به سینمای فساد تولد می یابد. فیلم فارسی در این زمان تحت تأثیر یک تکان ساختاری از گنج قارون‌سازی دست می‌کشد و به قیصر سازی می پردازد و این بار شخصیت پردازی در این ژانر سینمایی به سمت پرورش «لمپنیسم» میرود. در اوج سالهای ۱۳۵۱ که جسته و گریخته مخالف خوانیهای ضد رژیم نضج میگیرد تولیدات فیلم فارسی به ۹۰ فیلم در سال میرسد که تا به امروز بالاترین رقم تولید فیلم است. با اوج اندیشه روشنفکرانه در زمینه های تآتر، نقاشی، موسیقی، مجسمه سازی و نشر رمانها و داستانهای واقع گرا، دولت نیز در دو بخش دولتی یعنی تلویزیون ملی ایران (تلفیلم) و کانون پرورش فکری سعی مینماید نگاه ملایم بورژوازی روشنفکرانه را تعمیم بخشد و از این طریق طبقه فرهیخته و روشنفکر ضد دولتی را به صحنه های باصطلاح «فضای باز سیاسی» بکشاند. وزارت فرهنگ و هنر نیز با برپایی جشنواره جهانی فیلم تهران «باهدف جلب خارجیان» خصوصاً غربیان به تولیدات داخلی سعی نمود خلاء فیلمهای «روشنفکرانه» و توجه به ژانر دیگری از سینمای ایران را با تدابیر -پهلبدی- رفع نماید. هجوم چهره‌های بین المللی چه در زمینه بازیگری یا فیلمسازی در این جشنواره بالا میگیرد، اما آنها قبل از آنکه به فیلمسازی در این سرزمین توجه نمایند پسته ایرانی را بعنوان بهترین کالا به کشورهایشان میبرند معهذا این ترفند نتوانست سینمای ایران را جهانی کند. در این دوره البته نباید از جرقه های فیلمسازی غافل بود مانند سهراب شهید ثالث با سه فیلم طبیعت بیجان، یک اتفاق ساده و در غربت. سینمای ایران را به جشنواره‌های جهانی میرساند و بخاطر فیلم طبیعت بی جان خرس نقره ای جشنواره برلین را صاحب میشود. داریوش مهرجویی نیز با فیلم گاو و دایره مینا در جشنواره‌های ونیز، لندن و شیکاگو میدرخشد و جوایزی را



از آن خود میکند. بهرام بیضایی که از صحنه تاتر به سینما میآید فیلم غریبه و مهر را میسازد که در نخستین جشنواره فیلم قاهره بخاطر فیلمبرداری آن جایزه بهترین فیلمبرداری را تصاحب می کند. پرویز کیمیاوی فارغ التحصیل مدرسه سینمایی ایدک فرانسه با گذر از یک دوره مستند سازی تاثیر گذار دو فیلم «مغولها» و باغ سنگی را میسازد که فیلم اول در جشنواره مونت کارلو به نمایش در میآید و فیلم باغ سنگی او نیز جایزه مخصوص هیئت داوران جشنواره برنین را از آن خود میکند. در این دوره ناصر تقوایی که برای تلویزیون ملی ایران فیلم مستند میسازد با برگردان قصه ای از غلامحسین ساعدی بنام آرامش در حضور دیگران نخستین فیلم بلند داستانی خود را در حیطه سینمای روشنفکران میسازد که پس از سالها توقیف اجازه اکران میگیرد. امیر نادر ی نیز فیلم ساز دهنی میسازد و در چند جشنواره جهانی مورد تقدیر قرار میگیرد. با تمام این تفاصیل هنوز نگاه منتقدین خارجی به سینمای ایران نگاهی پر از تردید بود آنها نمی توانستند ساختاری منسجم و یکپارچه را در روند فیلمسازی ایران ببینند اگر بخواهیم اولین حضور سینمای ایران در جشنواره های جهانی را پی گیریم باید به سال ۱۳۴۳ مراجعه کنیم، در این سال احمد فاروقی قاجار با فیلم طلوع جدی به جشنواره کن میرود و جایزه میگیرد در همین سال فرخ غفاری فیلم شب قوزی را در هفته منتقدین سینمایی جشنواره کن به نمایش میگذارد. اما سهم فیلمهای کوتاه در جشنواره های جهانی بیشتر از فیلمهای بلند است برای مثال فیلم آتش ساخته شاهرخ گلستان در جشنواره ونیز جایزه مخصوص را بدست میآورد و فیلم خانه سیاه است از ساخته های شاعره گرانقدر معاصر فروغ فرخزاد به جشنواره اورهاوزن آلمان میرود و جایزه معتبر این جشنواره را تصاحب میکند. بنابراین سینمای قبل از انقلاب نتوانست با موضوعهای اخته شده مقام ممیزی جلوه خاصی بیابد و در حد یک حضور ساده توانست خودنمایی کند.

سینمای بعداز انقلاب

سینمای بعدازانقلاب به طوررسمی ازسال ۱۳۵۸ با ۲۶ تهیه کننده خصوصی و ۶ تهیه کننده دولتی فعالیت خودراآغازکرد. نخستین جشنواره فیلم جمهوری اسلامی ایران در ۲۸ خرداد تا ۶ تیرماه سال ۱۳۶۰ برگزار گردید و موجودیت خودرااعلام نمود. اغلب فیلمهای تولید شده درسال ۱۳۵۹ حول وحوش مسائل انقلابی وتنش‌های موجود بین مردم ورژیم سابق دور می‌زند که اغلب آنها فاقد ساختاری زیبا شناسانه بود. دهه شصت با ظهور چند فیلمساز شاخص نظیر محسن مخلباف، حاتمی کیا، مجید مجیدی از حوزه هنری، سینمای دینی را پایه‌گزاری کردند.

نخستین درخشش سینمای بعد از انقلاب در جشنواره‌های جهانی با فیلم "دونده" و "آب، باد، خاک" امیر نادری صورت می‌پذیرد. این دو فیلم توانست نگاه جدی منتقدین جهانی را به تولد سینمای بعد از انقلاب جلب نماید.

گرچه خصومتهای دولتهای غربی با نظام جمهوری اسلامی رو به گسترش می‌رفت اما در دهه هفتاد، شکوفایی سینمای ایران و حضور فعال در جشنواره‌های بین‌المللی تا آنجایی پیش می‌رود که ناگهان چند نام، بعنوان پیشتازان سینمای ایران ۲۲۵ بار پرچم جمهوری اسلامی را در جشنواره‌ها به احتزار در می‌آورند و حدوداً ۳۰ جایزه معتبر را به کشور خود می‌آورند.

عباس کیارستمی با "خانه دوست کجاست" و محسن مخلباف با "سلام سینما" توانستند فصلی جدید به اعتبار سینمای ایران بیافزایند. از این پس نگاه منتقدین خارجی تمام عرصه سینمای بعد از انقلاب را در خود می‌گیرد. مجید مجیدی (بدوک)، جعفر پناهی (بادکنک سفید)، ابوالفضل جلیلی (گال)، ابراهیم فروزش(خمره)، ناصر تقوایی(ناخدا خورشید)، جزو فیلمسازانی می‌شوند که مرور برآثار آنها در اغلب جشنواره‌های بین‌المللی به یک رسم پایدار منتهی می‌گردد.

اما شاخص تر از همه در دهه هفتاد، عباس کیارستمی است که با حضور آخرین فیلم خود (طعم گیلاس) در پنجاهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کن، یک نقطه عطف به جا می‌گذارد و غرور ملی هر ایرانی را به افتخار اهتزاز پرچم ایران شکوفا می‌کند.

طعم گیلاس جایزه نخست نخل طلایی بطور مشترک با فیلم مار ماهی از (شوهی ایمارو) فیلمساز ژاپنی، را تصاحب می‌کند. اینبار سینمای بعد از انقلاب ایران نه بعنوان سینمایی آسیایی، بلکه بعنوان سینمایی در ستایش انسان، که جهانی شدن را بطور مطلق تجربه می‌کند، موردارزیابی قرار می‌گیرد. بعد از آن عباس کیارستمی با چهل و هشتمین جایزه جهانی خود که روز سیزدهم مهرماه سال **گذشته** در رم و با نام جایزه ویتوریودسیکا، دریافت کرد بر این باور مهر تایید می‌زند که سینمای ایران اینک می‌تواند با نگرشی عمیق به انسان معاصر، دوره‌ای جدید را بگشاید. وهمچنین در ۲۲ آبان ماه سال **گذشته** یونسکو، جایزه ویژه خود را به او می‌دهد. جایزه‌هایی که به عنوان سینمای انسان و به دور از خشونت، توانست از حیثیت سینمای ایران دفاع کند.

جواب ایرج شمسی زاده به مقاله استحاله شعر محلی

شعر و شاعر نباید مورد هتک حرمت قرار گیرد

در پیش شماره پنجم هفته نامه نسیم جنوب نقدگونه‌ای به چاپ رسیده بود از شخصی که هیچگونه اطلاعی از نقد نویسی نداشته و جز تقلید کور از نقد ناقدان آگاه نمی‌توان نامی بر آن نهاد. موضوع نقد طنز شعر (زن ذلیل) اینجانب بود که نویسنده بدون وقوف به ماهیت آن پس از مقدمه‌ای بی‌ربط مقداری بد و بیراه نثار شعر و شاعر کرده و سرخود گرفته بود.

ناچارم با ذکر مقدمه‌ای چگونگی چاپ این طنز را دراین نشریه روشن ساخته آنگاه آنچه راکه در خور نویسنده است به اطلاعشان برسانم.

در طول قریب چهل سال که شعر اینجانب و بالاخص شعر محلی‌ام که دفترهای پاک و پاکیزه آن سینه‌های صاف و صادق مردم با احساس جنوب است به نظر ارباب هنر و اطلاع این سامان رسیده هیچگاه ادعایی از این بابت نداشته‌ام که: مشک آن است که خود ببوید. به عنوان مدعی شاعری حتی یکبار در این چهل سال شعری به روزنامه یا مجله‌ای نفرستاده‌ام و یا هرگاه شعری از من در نشریه و یا کتابی به چاپ رسیده بود به درخواست مسئولین و دست اندرکاران آن بوده و خود هرگز راساً به چنین کاری مبادرت نکرده‌ام. دراین مدعا سرورانی چون منوچهر آتشی، علی باباچاهی، عبدالمجید زنگوئی گواهانی صادقند.

این بی‌ادعایی تا بدانجا بوده که دو بیتی‌هائی راکه در شروه خوانی خواند شده و در نوارها دست به دست گردیده گاه به علت نداشتن تخلص، متعلق به پیشینیان دانسته و حتی یکبار دربارهٔ دو بیتی: اگر روزی رسد دستم به گیسویش ... متهم به دزدی آن شده‌ام که پاسخم این بوده که در جهان به این بزرگی شاعر کوچکی بودن چیزی نیست که آدم اقدام به دزدی یک دو بیتی کند حداقل قصیده‌ای منظومه‌ای!!... و در پی آن همیشه پشیمانی مدعی بوده است.

یکی دو هفته قبل از نوروز شخص جلیل‌القدری که من به علت خدمات فرهنگیشان در جنوب برایشان احترام قائلم برای اولین بار، تلفنی به منزل حقیر زده خواستار فرستادن شعر زن ذلیل گردیدند. شب چهارشنبه بود و ایشان توپشان پر، به عرض رسانیدم که این شعر اگر چه بی‌نیت نبوده ولی بیشتر شوخی دوستانه است و فاقد جنبه‌های لازم شعری و قابل چاپ و ارائه اینچنین نیست و چون قبل از چاپ آن هم، آن جناب عقیده داشتند که مورد اقبال عموم است (و بعد از چاپ هم) در مقابل درخواستشان تسلیم گردیدم و بدین ترتیب به چاپ رسید.

مولانا می‌فرماید: جدّها هزل است پیش هازلان
هزلها جداست پیش عاقلان

منتقد باید علاوه بر آنکه بی‌حب و بغض و بی‌غرض و مرض باشد بر مطلب مورد نقد و مسائل جنبی آن و صاحب آن شناخت کامل داشته بی‌گدار به آب نزند و گرنه جز تقلید کور از روش ناقدان آگاه کاری انجام نداده به اعتبار و آبروی صاحب اثر لطمه وارد آورده و سرانجام مشت ناقد بی‌اطلاع و ناآگاه باز می‌شود که این عقوبت، آن گنه را جبران نمی‌کند.

اگر منظور ایشان از این روزها شعر محلی مسخ شده این یکی دو سال باشد باید بدانند قریب هفده سال از عمر این طنز شعر می‌گذرد. هر شعری به گویش محلی لزوماً و ضرورتاً نباید شعر محلی به معنی اخص به حساب آمده منعکس کننده فرهنگ و قومیت و فولکلور آن محل باشد که در این راستا شعرهای ویمو نویمو، عیده بیو، حسنو و بسیاری شعرهای محلی دیگر من دارای این ماهیت بوده متفاوت با طنز شعرهائی چون زن ذلیل، یابلوک یا تلیفون می‌باشند که تنها به گویش محلی هستند اگر منتقد بی‌اطلاع از این موارد باشند گناه نادانی خودشان است و اگر با اطلاع بوده و چنین اراجیف و اهانتی به من نسبت داده‌اند مغرض به حساب می‌آیند.

اگر طنز شعری ولو در خور مجلات فکاهی و طنز با گویش محلی در نشریه‌ای محلی آن هم در ایام شادی و تفریح نوروز به چاپ برسد آیا باید آنرا مستهجن و متعفن دانست و آیا این بجز اهانت به شاعر و اهانت به خیل خوانندگان و خواهندگان آن نیست؟

باری این افاضه که «گنجشک را گجیک وآب را او نوشتن نمی‌تواند نشانگر محلی بودن شعر باشد» همانا باز کردن پنجه و اعلام وجب است، استهجان و تعفن در طرز تفکر خشک‌اندیشان جزئی‌نگر است دیگر مردم آگاه را کسی نمی‌تواند با شکل مار بجای واژه آن بفریبد و شیاد در کلاه کسی است که حرف و سخن را پیچ و تاب می‌دهد تا مردم درنیابند و ناچار است نعل‌وار و بسته به همراه سخن خود سفر کند وگرنه حلال‌زاده‌ها همیشه آگاهانه انتخاب خود را کرده‌اند.

در سرزمینی که همه چیز آن مذکّر بوده واعظم حقوق زنان نادیده انگاشته شده شاید بیان موعظه و پند و نصیحت آنقدر کارساز نباشد که یک مصرع: "زن بی‌فضولی روزی صد شلاق می‌خوا" لختی خواننده یا شنونده‌ای را به تفکر وا می‌دارد و اگر چنین شده باشد وظیفه طنز انجام پذیرفته است که حافظ فرماید:

از خلاف آمد عادت بطلب کام که من
کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم

بیش از این نه ادعایی در کار بوده و نه اشتهائی برای مطرح شدن شعری که پس از قریب بیست سال از تاریخ سرایش به چاپ می‌رسد و تنها جرم آن این است که به گویش محلی گوینده آن است و دوستداران آن مردم هستند و به طنز مقصودی را بیان نموده جا بر کلام کسی تنگ نمی‌کند، و شعر و شاعر نباید مورد هتک و حرمت قرار گیرند تا بدین وسیله کسی خود را در سلک منتقدین جا بزند.

تازه به دوران رسیده‌ای که در پی جاوجاه بود و نیارست نام پیران را شنود عزلت گزیده کنج خلوت نشسته‌ای را حسودانه مخاطب قرارداد که: با این همه جا که اشغال کرده‌ای در جهان هستی پشه‌ای بیش نیستی. پاسخ شنید که: آن پشّه هم توئی ما هیچ نیستیم!

وقتی‌که یک هنرمند بوشهری جشنواره بین‌المللی را به تحسین وا داشت.

هشدار هنرمندان را جدی بگیرید!

● عباس حیدری

جشنواره بین المللی سینمای جوانان ایران در فروردین ماه هرسال با حضور هنرمندان عکاس، فیلنامه نویس و فیلمساز سراسر کشور در تهران برگزار می‌گردد. امسال نیز پانزدهمین دورهٔ این جشنواره برگزار شد متأسفانه حضور هنرمندان بوشهری در جشنواره امسال کمرنگ‌تر از جشنواره‌های گذشته بود، بطوریکه از پانزده تا بیست نفر عکاس و فیلمسازان شرکت کننده در جشنواره‌های گذشته امسال فقط سه نفر از بوشهر در جشنواره حضور داشتند. حضور کمرنگ عکاسان و فیلمسازان بوشهر و برازجان درجشنوارهٔ امسال هر دلیلی داشته باشد مطمئناً به معنای این نیست که جوانان هنرمند بوشهری حرفی برای گفتن ندارند. چرا که جوانان ما بارها و بارها با کمترین امکانات هنر و توانائیهای خود را در سطح کشور و خارج از کشور به معرض نمایش گذارده‌اند .اما بهانه نگارش این مطلب نامه‌ای بود که چندی پیش از شهر زیبای تبریز که مردمش به آزادیخواهی شهره‌اند از طرف دوستی هنرمند که سابقه آشنایی با ایشان به جشنواره‌های فیلم و عکس بازمی‌گردد به دستم رسید. آقای محمودی هنرمند ترک زبان فرستنده نامه به یادآوری خاطرهٔ حضور در دوازدهمین جشنوارهٔ فیلم و عکس سینمای جوان تهران اشاره نموده و از نگارنده درخواست کرده تا مراتب سلام وی و دیگر هنرمندان تبریزی را به یکایک هنرمندان بوشهری ابلاغ نمایم.

همچنین دوست هنرمند ما در قسمت دیگری از نامه‌اش از آقای داریوش غریب‌زاده بعنوان دلاور مرد هنرمند بوشهری یاد کرده و برای ایشان و دیگر هنرمندان برجستهٔ بوشهری در سطح جشنواره‌های بین‌المللی آرزوی توفیق نموده‌اند. حتماً می‌پرسید چرا داریوش تنها. داستانی دارد. هنرمند فیلمساز و فیلنامه نویس جسور و اندیشمند بوشهری آقای داریوش غریب‌زاه در خلال برگزاری دوازدهمین جشنواره فیلم و عکس سینمای جوان در تهران به هنگام دریافت جایزهٔ هیئت داوران جشنواره پس از اینکه جایزهٔ خود را از دست یکی از مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گرفت پشت تریبون رفت ودر حضور مسئولان وزارت ارشاد و مسئولان جشنواره از زبان دل هنرمندان بوشهری که زبان حال خیلی از هنرمندان دیگر نیز بود سخن گفت. لب کلام غریب‌زاده غربت و مظلومیت هنرمندان شهرستانی بویژه بوشهریها و توجه ویژه مسئولین ومتمرکز بودن امکانات در تهران بود. گرچه سخنان انتقاد آمیز غریب‌زاده مختصر و کوتاه بود اما این جملات کوتاه آنقدر با صراحت لهجه و صداقت و خلوص بیان گردید که نه تنها هم قطار این بوشهری، بلکه خیلی از جوانان هنرمند از شهرهای بندرعباس و زاهدان گرفته تا مشهد، تبریز و خوزستان و چند شهر دیگر خود اعتراف کردند که‌این اقدام غریب‌زاده در اجتماع هزاران نفر از هنرمندان سراسر ایران ودر حضور مسئولین بلند پایه فرهنگی و هنری کشور آن هم به عنوان کسی که جایزهٔ ویژه جشنواره را از آن خود کرده باشد نشان از روحیهٔ جسور غریب‌زاده می دهد.

چه بسا که غریب زاده هم می توانست همانند چند نفر دیگر اینگونه سخنان را عنوان نکند و از دریافت جایزه ذوق زده شده و به پیام تبریک و تشکر پسنده نماید.

ولی غریب‌زاده محور سخنانش را مشکلات جوانان شهرستانی قرار داد و نتیجه این سخنان این بود که شب افتتاحیهٔ جشنوارهٔ دوازدهم به شبی به یادماندنی تبدیل شد. تمام شرکت‌کنندگان و حتی مسئولین فرهنگی و هنری کشور که در سالن شهید آوینی فرهنگسرای بهمن تهران حضور داشتند آن شب به احترام داریوش غریب‌زاده یعنی به احترام یک هنرمند بوشهری از جا برخاسته و تا دقایقی چند (زمانی نزدیک به ۲ تا ۳ دقیقه) برای غریب‌زاده کف می‌زدند و احسنت می‌گفتند و جالب اینکه شبکه سوم سیما که برنامه جشنواره را بطور مستقیم از تلویزیون پخش می‌کرد سخنان غریب‌زاده را سانسور کرده و پخش نکرد. اما تا پاسی از شب جوانانی از تمام نقاط ایران به دور داریوش غریب‌زاده که خود در حلقهٔ جوانان هم‌استانی‌اش بود حلقه زده بودند و به‌خاطر سخنان شجاعانه و دلسوزانه‌اش به او تبریک می‌گفتند. حال پس از گذشت چند سال از آن رویداد خطاب به غریب‌زاده‌ها می‌گویم: "شماها از آن تاریخ تا کنون چند فیلمنامه نگاشته و چند فیلم ساخته‌اید ودر چند جشنواره داخلی و خارجی شرکت نموده‌اید؟ آیا هنوز هم کمبود امکانات، بعضی از سیاستهای نه چندان درست و نهایتاً عدم برنامه‌ریزی صحیح، فعایت مفید شما و دیگر جوانان بوشهری را تحت‌الشعاع قرارداده است؟ ما بارها به همه آنانی که آمدند و رفتند گفتیم که امکانات بدهید به جوانان تا فیلم بسازند تا عکس بگیرند، تا نمایشگاه برگزار کنند. سالن در اختیار آنان بگذارید تا فیلمهایشان را به نمایش عمومی بگذارند جشنواره را عمومی کنید تا حضور مردم را نیز داشته باشید و اکنون نیز تکرار می‌کنیم و هشدار می‌دهیم.و امیدواریم تا زمان نگذشته این هشدار جدی گرفته شود.

نقدی بر مقاله استحاله شعر محلی

برای مطرح کردن خود دچار اشتباه نشویم

● فرج‌الله کمالی

بعضی‌ها دوست دارند نادانی و کج فهمی خود را به دیگران هم انتقال و تسری دهند واین جای بسی دریغ و درد دارد. در پیش شماره پنجم هفته نامه نسیم جنوب نوشته‌ای به چاپ رسیده بود با عنوان استحاله شعر محلی «نقدی بر شعر زن ذلیل ایرج شمسی‌زاده» که به عقیده بنده نویسنده آن نقد در یک مورد تیرش دقیق به هدف خورده و آن هم مطرح کردن خودش بود. زیرا صرفاً وجود نام ایرج شمسی‌زاده کافی بود تا بسیاری از خوانندگان را به خواندن نوشته ایشان تشویق و ترغیب نماید، مرحبا به این زرنگی! والما: گفت خوش وردی تو از بر کرده‌ای

لیک سوراخ دعا گم کرده‌ای

نوشته ایشان آنقدر ناشیانه و عاری از هرگونه فرهنگ نقد و بی‌ادبانه و سراپا مغالطه بود که حتی چون منی را که هیچ ادعائی در امور فرهنگی و نقد ندارم اولاً به پاسخگویی تحریص و ثانیاً قادر می‌سازد.

پاسخ ایشان را در دو بخش جداگانه بررسی کرده‌ام یکی بررسی مغالطه‌آمیز بودن متن نوشته ایشان و دیگری بررسی شعر زن ذلیل و نقد راستین آن.

دلایل بخش اول: ۱ـ در پاراگراف اول نوشته ایشان چنین آمده: «اکثر شاعران این نوع شعر بر این باورند که می‌توان به مدد وزن و قافیه تعدادی کلمات مهجور را در قالب شعر محلی گذاشت.» در اینجا روشن است که مهجور بودن برای کلمات صفتی منفی و شر تلقی شده و آوردن آن کلمات در شعر محلی گناه کبیره بشمار می‌آید که صحت و سقم این ادعا خود احتیاج به بحث جداگانه دارد، اما چند خط پائین‌تر از همین مهجور بودن صفتی مثبت و خیر بشمار آمده که در نقل و قول از علی باباچاهی شعر و موسیقی جنوب را چنین توصیف می‌کند: «انسان دردمند جنوب گاه عصاره افسانه‌ها و حکایت هجران و سرنوشت محتوم و مقدر خود را در اوج و موجهای مدور آهنگهای سینه زنی متبلور می‌سازد و گاه تلاش تب‌آلود بودن را در سایه روشن پرمعنای شعر و آهنگ مهجور شروه رها می‌سازد.» مرحبا به این ذکاوت!

۲ـ در پاراگراف دوم نوشته ایشان شعرگونه‌هایی از قبیل زن ذلیل «بکلی فاقد خوی و خصلتهای منحصر به یک اقلیم خاص هستند» اما در قسمت دیگری از باصطلاح نقد خود شخصاً می‌فرمایند که: «شعر محلی زمان و توالی آن را و همچنین جغرافیایی تاریخی اقلیمی را درهم می‌ریزد» (بخوانید باید درهم بریزید.) به‌به مرحبا به این افاضات.

۳ـ از ابتکارات و خلاقیتهای نقادی ایشان همین بس که برای نقد شعر محلی و توصیف احساسات مردم این استان از "هیوز" در قسمتی از شعر «قطعه آمریکائی - افریقائی» کمک گرفته‌اند. گفت: هر دو پرچینند اما این کجا و آن کجا؟

۴ـ نکته جالب دیگر آنکه ایشان سروده‌های فایز، مفتون و آتشی را نمونه‌های خوب شعر محلی می‌دانند ولی توجه ندارند که بخش ادبی این هفته نامه و از جمله شعرهای محلی زیر نظر استاد آتشی اداره می‌شود لذا وقتی می‌نویسند: «بیائیم با چاپ اینگونه شعرها معیارهای شعر محلی را مخدوش نکنیم و فضائی مناسب و متعفن در خور آنها نسازیم» گویا استاد آتشی در پی ساختن چنین فضائی است و ایشان خیرخواهانه اندرز داده‌اند که خواهشاً دست نگه‌دارید، نسازید. گویا ایشان با سازندگی موافقت ندارند!

۵ـ ایشان شعر زن ذلیل را شعرگونه‌ای فاقد ارزش هنری که تنها آینده‌ای موزون از مضمونی مستهجن و کلمات خفیف و سبکبار که نمونه آنرا در مجلات فکاهی و طنز به وفور می‌توان یافت بررسی کرده‌اند لذا در اینجا این سؤال پیش می‌آید که آیا محتویات تمام مجلات فکاهی و طنز واقعاً همه بدون ارزش هنری و دارای مضمونی مستهجن می‌باشند؟ اما برداشت من این است که در مجلات فکاهی و طنز معمولاً مضامین بسیار پربار در قالب طنز و الفاظ عامیانه و فکاهی ارائه می‌شود که از قضا دارای ارزش هنری فراوان است و اصولاً استفاده از این قالبهای ساده برای مضامین پربار، وجه مشخص با سایر نشریات است.

۶ـ مطلبی که مسلم است و روشن در سراسر نوشته ایشان مشهود، این است که ایشان شعر با گویش محلی را با شروه عوضی گرفته‌اند و یا مخصوصاً خواسته‌اند عوضی بگیرند زیرا بدیهی است که شروه نوعی شعر نیست بلکه نوعی آواز محلی است و اشعار آن دوبیتی‌های فارسی است و با اینکه برای خواندن شروه از دوبیتی‌های شاعران همین خطه غالباً استفاده می‌شود اما ای بسا از دوبیتی‌های باباطاهر یا حتی حافظ و دیگر شاعران ایرانی هم بدون هیچ مانعی استفاده بشود و شده است و هیچ گونه اشکالی را هم در ذهن و روح شنونده ایجاد نخواهد کرد.

و اما بخش دوم عرایضم در رابطه با بررسی صادقانه شعر زن ذلیل و شعر محلی و نقد راستین آن.

ایشان و هر کس دیگر بخواهد صادقانه شعر محلی و بطور مشخص زن ذلیل شمسی‌زاده را نقد نماید لازم است ابتدا تعریف شعر محلی را بداند و نه شروه را،و همچنین با شاعران واشعار محلی استان تا حدودی آشنا باشد و در مورد سایر اشعار محلی یا غیرمحلی شمسی‌زاده نیز آشنا باشد و با این حداقل دانسته‌ها به نقد شعر محلی دست یازد.

می‌گویند شخصی از همسایه‌اش گله کرد که گاوش باغچه او را می‌خورد همسایه‌اش گفت سوماً مسیر گاو ما از طرف باغچه شما نمی‌باشد دوماً گاو ما گُل نمی‌خورد و اولاً ما اصلاً گاو نداریم.

حالا باید به این آقای نقاد گفت: حضرت آقا سوماً این شعر زن ذلیل همانطور که حدس زده‌اید در قالب طنز سروده شده که دارای محتوای پرباری نیز می‌باشد که همانا توجه دادن به وضعیت روابط مردان با زنان است در این اقلیم خاص، حالا اگر کسی دو ریالیش دیر می‌افتد یا نمی‌افتد، گر گدا کاهل بود تقصیر صاحبخانه چیست؟

دوماً این شعر یکی از ضعیف‌ترین شعرهای شمسی‌زاده است «در عین پرباری» و چه غیر منصفانه است برای بررسی شعر محلی آنرا انتخاب کردن. خدا بیامرزد مولوی را که گفت: آنکه روزی نیستش بخت ونجات

ننگرد عقلش درنادرات

هیچ گونه کلمه مهجوری در این شعر دیده نمی‌شود، راستی اگر کلمات با این وفور استعمال در استان به نظر آن جناب مهجور می‌نماید دلیل دیگری ندارد جز آنکه خود آن جناب از فرهنگ و از مردم این استان مهجور افتاده‌اند.

اولاً: نوشته‌اید در این شعر گونه آیا ویژگی‌های زن این دیار به همانگونه بود که ارائه شده بود؟ و خیال کردید که این شعر راجع به زنان گفته شده، خواب دیدید خیر باشد. اما این شعر در مورد مردها آن هم تیپ خاص از آنها سروده شده است.

و اما در پایان، بنظر حقیر همانطور که در آغاز اشاره شد ایشان دقیقاً و صرفاً برای مطرح کردن خود مرتکب چنین خطای آشکار و بارزی گردیده و به این سبب برای اولین بار به ایشان اخطار داده می‌شود که من بعد با احساسات مردم این خطه و حیثیت اشخاص بزرگی چون آتشی، شمسی‌زاده، علی باباچائی، مفتون، فایزو...چنین بی‌رحمانه و خصمانه بازی نکنند که در آن صورت توسط داوران کارکشته که همانا مردم فهیم و فرهنگی این استان باشند برای همیشه از این میدان اخراج خواهد شد. و هم امیدوارم ایشان بار دیگر به عکس مار با دقت بیشتری نگاه کنند،نکند یک وقت چماق باشد که گفت:

آنچه می‌گویم به قدر فهم توست
مُردم اندر حسرت فهم درست

پرفسور چکنه

خونه هُی خرابه و میراث فِرتنگی

توئی همه شهرا گشتُم و سر و کارُم بائی همه مصالح و چساله افتاد، ولی هیچ سنگ و گچ و شُلی پررووتر و لجبازتر مالِ بوشهر ندیدُم ! بگو عامو سی چه ئی طوری رِیِ هم خُو سیدین و جُم نمیخورین ؟!

اَفتو می‌زِنِتِشون هیچِشون نمیشه ! اُوْ بارون تو سرشِن میزنه هیچ بِا کشون نیِ !! باد لُوپِرتُوکِشون میکنه عین خیالشون نیِ !!! بُوا مامِلت بوشهر، ما مسئولی بوشهر اصلاً سی شما نمی‌خیم. فهمید ین یا نه ؟ عجب آدمی ... ببخشین، عجب سنگ و ساروجی هِسِن! بُوا قربونتون بُرم. فداتون بشم. ئی اداره میراث فِرتنگی با چه زبونی سی شما بگه که از رو برین ؟! پر روگری هم حد و حسابی داره! فکر کِردِن ئی همه میز و دَم و دستگاه که نهادن بخاطر ئی‌ین که چهار تا سنگ کَل کُهنه مث شما بپوین ؟ ئی میز پیزا مال آدمن نه مال شُل و گِل، فهمیدین یا نه ؟ مال آدم ! آدم هم آدمِن . یا ئی که سر داره، پا داره، کُم داره، بچه داره، خرج داره، بُیدَ بشینه پس یه میزی و سی روز خدا هی سِیِل تقویم بکنه. سرِ ما هم بره از بانک ماجُب بگیره و خرج خُش کنه. حالا فهمیدین؟ هُی عمارت ملک! با تو هِسما. هُی قنسولخونه، هُی خُونی حاج ریس، هُی کلیسیا! با شما هِسما! نه راسی با کلیسیا نیسُم. تو ماشاءا... خُت آدم فهمیده‌ای بیدی و بعد دویست سال عقلت رسید که خُت خُتکی بُرُمبی تا اداره میراث فرهنگی نفس راحتی بکشه. آفران، آفران! یاد بقیه‌ئی خونه خرابه هُی تاریخی هم بده تا حالا که ما عرضه نداریم خرابشون کنیم، اقلکم خشون عرضه داشته باشِن ری سر ما تل انبار بشِن. خُو دیگه چه بُگُم ؟ هیچی بوا، هیچی . گل گلاب عرق نسترن عرق بیدمشک.

جامگیرک

«چرابوشهری‌هاظلم پذیرند؟»

این جامگیرک بر خلاف توپ و تشرهای الکی‌اش، از همان روزی که دست بقلم شد با خودش عهد کرد که به هیچوجه من الوجوه پایش را توی کفش بزرگترها نکند. اصلاً این چکاریست که آدم عاقل، بی خود و بی جهت برای خودش دردسر بتراشد ؟

وقتی که بدون واهمه و در کمال شهامت می‌شود یقه موجودات ذلیلی مثل چاله چوله‌های خیابانها، قطع گهگاهی برق، لوله‌های بعضاً خالی آب، نامرغوبی اتفاقی نان ، و ... و اینجور چیزها را گرفت و کلی هم مردم را خنداند، دیگر چه مرضی است که آدمیزاد بی احتیاطی کند و یکراست برود سراغ مثلاً نیروی انتظامی و چند روزی خانواده مضطربش را از وجود نازنین خودش بی‌خبر بگذارد؟! یا اینکه خدای ناکرده بزند به کله‌اش و بی‌اعتنا به سرنوشت شهر داری تهران، راست راست از جلو اداره دادگستری عبور کند ؟! ولی با این وجود، متأسفانه بعضی وقت‌ها این خود بزرگان هستند که کرم می‌اندازند به تن آدمی و او را هل می‌دهند لب پرتگاه بعنوان مثال، یکی همین سئوال خطرناکی است که سیّد بزرگوار ما جناب «رضوی» مطرح کرده و در نسیم جنوب شماره چهارم چاپش کرده است. پرسیده است : «چرا بوشهریها ظلم پذیرند ؟» . جل الخالق!! خُب آقا سیّد : قربان جدّت اولاً این چه طرز پرسیدن است ؟! ثانیاً، آیا نمی‌شد سئوال ساده‌تری را مطرح می‌کردید تا هم اینکه ما رفوزه نشویم، و هم این شغل شریف جامگیرک فقط در انحصار ما باقی بماند؟!

وانگهی، مگر این «ظلم» مادر مرده چه گناهی کرده است که نباید روی این زمین خدا برای خودش جا و مکانی داشته باشد؟

نکند این روحیه مستضعف پذیری و خصلت مهمان‌نوازی را هم نمی‌توانید از ما ببینید ؟! با این همه، شما فکر می‌کنید که ما چطوری این بیچاره را پذیرفته‌ایم ؟ برای آنکه خیالتان را راحت کرده باشیم به عرضتان می‌رسانیم که ما قبل از آنکه این مهمان عزیز و گرانقدر را به خانه‌امان راه بدهیم، با ایشان شرط کرده و از وی سند محضری گرفته‌ایم که : اولاً، بعلت گرانی برق، مطلقاً حق ندارد در هفت ـ هشت ماه تابستان : از کولر و یا حتی پنکه استفاده کند. البته در این مورد ، فقط به او اجازه داده‌ایم که برای رفع گرمای کشنده، تا می‌تواند برنامه‌های متنوع کانال‌های چهارگانه تلویزیون را تماشا کند. ثانیاً ، هر گاه که از چهار دیواری خانه حوصله‌اش سر رفت و هوس نمود تا ساعتی را در کنار دریای خدادادی ما قدم بزند، می‌بایست به مجرد آنکه گزارش به بعضی‌ها افتاد، فی‌الفور و مثل بچه آدم سرش را بیاندازد زیر، خنده‌اش را قورت بدهد پایین و تا می‌تواند اخم و تخم کند. البته اگر بتواند چند قطره اشک بریزد، خاصیتش بیشتر است ـ ثالثاً ، به هیچوجه نباید هوس کند که مثل هموطنان تهرانی ما از گوشت کوپنی استفاده کند. رابعاً چنانچه هنگام تفریح در خیابان‌های شهر، نیازش به دستشویی و توالت افتاد باید بدون ارتکاب هر عمل غیر اخلاقی و بی ادبانه‌ای، خودش را قرص و محکم نگهداشته و بدون هیچگونه اعتراضی، راه خانه را در پیش بگیرد. خامساً ... و البته ده ـ دوازده تا شرط و شروط محرمانه دیگر.

خُب حالا آقا سید بزرگوار ! بفرمایید کجای این کار ما عیب داشته که شما را اینقدر عصبانی کرده است ؟

فرار مغزها از دانشگاه بوشهر!

یکی از مشکلاتی که از دیرباز همواره کشورهای در حال توسعه یا در واقع جهان سوم را تهدید نموده است «فرار مغزها» بوده است بدین معنی که انسانهای فرهیخته و دانشمند چنین کشورهایی به سوی ممالک مترقی کوچ می‌نمودند که دلیل اصلی این مهاجرتها نبود امکانات علمی و رقابتی برای چنین انسانهایی بوده است.

اما در استان ما که نسبت به تهران و سایر شهرهای بزرگ از نظر درجه‌بندی درجه سوم یا همان جهان سومی می‌باشد گاهاً اتفاقات نادری به وقوع می‌پیوندد که می‌توان دانشگاه بوشهر (خلیج فارس) را هم در رأس هرم این اتفاقات به شمار آورد این دانشگاه از زمان تأسیس خود بستر عجیب‌ترین وقایع عصر حاضر حداقل در کشور خودمان می‌تواند لقب بگیرد. از منحل شدن انجمن اسلامی گرفته تا مسئله فراری دادن مغزها، آری درست خوانده‌اید فراری دادن مغزها و آن به این قرار است که به تازگی دکتر محمود مشفقیان جوانترین پروفسور ایران در زمینه مهندسی شیمی به مسئولین دانشکده مهندسی پیشنهاد تدریس در دانشگاه خلیج فارس را نمودند و لازم به یادآوری است که ایشان فعلاً استاد دانشگاه شیراز و همچنین سمت معاونت پژوهشی دانشکده مهندسی این دانشگاه را نیز عهده‌دار می‌باشند که با اشکال تراشی مسئولین دانشکده مهندسی رو به رو شده و عطای این کار را به لقایش بخشیدند. لازم به یادآوری می‌باشد که قبل از ایشان دکتر غلامپور «استاد دانشگاه صنعتی شریف» دکتر میمنی «استاد دانشگاه تهران» و دکتر حمیدی «استاد دانشگاه «شهید بهشتی» در پی همین اشکال تراشیها بعد از یک الی دو ترم تدریس از این دانشگاه فراری شدند.

در حالی که این روزها دانشگاه به علت کمبود استاد از یکسری فوق لیسانسهایی که تازه فارغ التحصیل شده‌اند استفاده می‌نماید. و در دانشکده مهندسی در ارائ چهار رشته (عمران - مکانیک ـ شیمی ـ کشتی‌سازی) فقط و فقط دو دکتر مشغول تدریس می‌باشند که هیچیک از این دو هم درجه استادی ندارند. و بقیه اساتید فوق لیسانس می‌باشند که فقط یک الی دو تا از آنها هم درجه مربی را دارند. حال در قبال این همه پایین بودن سطح علمی دانشگاه مسئولین دانشگاه و بعضاً دانشکده مهندسی چه توضیحی در زمینه فراری دادن مغزها دارند و آیا وقتی که چند انسان فرهیخته فقط و فقط به خاطر عشق به شهر و دیار خود حاضر به همکاری با این دانشگاه می‌شوند این انصاف و مروت است که برای آنها اشکال ایجاد نموده و بعد هم در همه جا اعلام نمایند که ما بهترین اساتید را برای تدریس از سراسر کشور جمع آوری می‌کنیم.

یکی از دانشجویان.

قابل توجه صدا و سیما

این هم نشد برنامه

واقعاً معلوم نیست که وظیفه صدا و سیما چیست؟ بعنوان مثال در مسابقه "تلاش" که پنجشنبه شبها از شبکه اول بخش می‌شود، شاهد اهداء جوایز گران‌قیمتی از جمله اتومبیل هستیم که شرکت‌کنندگان در قبال جواب چند سؤال دریافت می‌کنند، قبلاً نیز از سیما، شاهد پخش "مسابقه بزرگ" بودیم، که آنجا نیز ماشین جایزه می‌دادند. آیا صدا و سیما توجه دارد که با اینگونه مسابقات و جایزه‌های آنچنانی، خیال‌پردازی را در اذهان دامن زده و در نهایت روح کار و تلاش را ازبین می‌برد. پسر من دلش می‌خواهد که یک دفعه در این مسابقات ماشین ببرد و حتی بعضی وقتها برای آینده‌اش نیز برنامه‌ریزی کرده است. وقتی که یک نفر دراین مملکت با جواب دادن به یک سؤال ساده، ماشینی را برنده می‌شود که حداقل به اندازه ده سال حقوق من ارزش دارد، دیگر چه انگیزه‌ای برای من فلک‌زده باقی می‌ماند که که حسرت این افراد خوش‌شانس، زحمت نکشیده و به مراد رسیده را نخورم. پخش اینگونه برنامه‌ها به جوانان نشان می‌دهد که زحمت نکشیده نیز می‌توان صاحب چند میلیون تومان شد. وقتی جوانان این مسئله را باور کردند دیگر به دنبال کار نیستند، بلکه به دنبال راهی هستند که بدون تلاش به میلیونها پول برسند و متأسفانه اکثر مواقع این راهها سالم و قانونی نیست، مهم این است که پیام اینگونه برنامه‌ها این است که در این مملکت می‌توان شوخی، شوخی به اندازه درآمد ده ساله یک کارمند، با جواب دادن به یک سؤال، پول بدست آورد ومسخره‌تر این است که اسم این برنامه را تلاش گذاشته‌اند، چه تلاشی و چه کشکی. «یک کارمند ناراضی»

نامه‌ای از طرف شاغلین بیمارستان فاطمه‌زهرا(س) بوشهر

ما را مورد بی‌مهری قرار ندهید

هفته پیش نامه‌ای از طرف شاغلین بیمارستان فاطمه‌زهرا(س) بوشهر به دستمان رسید که نسبت به بعضی از امور شکوه کرده و از مسئولین مربوطه خواستار حل مشکلات خود شده‌اند. این طومار که به امضای حدود ۲۰۰ نفر از شاغلین این بیمارستان رسیده است در زیر به چاپ می‌رسد، بدیهی است که حق جواب برای مسئولین مربوطه محفوظ و در صورت ارسال جواب این نشریه خود را موظف به چاپ آن می‌داند

اینجانبان امضاء کنندگان شاغل در بیمارستان فاطمه‌زهرا(س) وابسته به دانشگاه علوم پزشکی بوشهر به استحضار می‌رساند با توجه به حجم بالای کار و کمبود کادر درمانی همواره با تمام سختیها و مشکلات موجود لحظه‌ای در خدمت صادقانه به بیماران دردمند قصور ننموده و برای پیشبرد اهداف مقدس پرستاری در سایه پرچم عدالتخواه اسلام به خدمت نظام جمهوری اسلامی با جان و دل مشغول ولی متأسفانه کادر درمانی بیمارستان همواره مورد بی‌مهری مسئولین ادرای مالی دانشگاه قرار گرفته و حق و حقوق قانونی افراد به طریقی پایمال می‌گردد. طبق دستورالعمل شماره ۲۰/۱۲۹۶۲/ دپ مورخه ۷۶/۶/۱۲ سرپرست معاونت پشتیبانی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر می‌بایست حق کارانه بطور مرتب و منظم از فصل اول درآمدهای جاری اداره یا مؤسسه مربوط پرداخت شود که عده دیگری که تحصیلات بالای دانشگاهی دارند بصورت حق جذب ماهیانه دریافت کننده وجه مزبور می‌باشند ولی سایر پرسنل که میزان تحصیلات زیر لیسانس و سنوات خدمتی کمتری دارند نه حق جذب شامل حالشان می‌شود و نه فوق‌العاده کارانه نیز ظرف سال گذشته دریافت نموده‌اند. در صورتیکه در کلیه ادارات و موسسات دولتی در سال ۷۶ این طرح را اجرا و به کارکنان خود پرداخت نموده‌اند. حتی بخش عظیمی از کادر دانشگاه علوم پزشکی فوق‌العاده کارانه خود را دریافت نموده‌اند در صورتیکه ما در یک نظام و تحت لوای یک قانون هستیم، دلیل اینکه یک عده‌ای طرح کارانه را دریافت دارند و عده‌ای از دریافت حق خود محروم بمانند چیست؟

همانگونه که خاطر شریفتان مستحضر است کادر درمانی بصورت شبانه روزی و محروم بودن از اغلب تعطیلات بیشترین بازده شغلی را دارا می‌باشد و از طرفی طبق دستورالعمل شماره ۶۰۸۶۴ /ت ۱۷۶۴۵/ ه مورخه ۷۶/۵/۲۲ هیئت محترم وزیران از تاریخ مرداد ماه سال ۷۶ مبلغ ۶۴۰۰۰ ریال به عنوان حق گرمسیری (بدی آب و هوا) به حقوق کلیه کادر درمانی و سایر ادارات و موسسات اضافه گردیده که کلیه پرسنل بیمارستان حقوقی در این رابطه دریافت ننموده‌اند و مابه‌التفاوت احکام مزبور ظاهراً در کلاسورهای دیون هم جایگاهی ندارند ومعلوم نیست در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر چه کسی از حقوق حقه کارکنان دفاع می‌کند. استدعا داریم بطریقی ممکن دستور فرمائید تا نسبت به پرداخت مطالبات اقدام نمایند. در غیر اینصورت باعث رکود کاری و تضعیف روحیهٔ پرسنل و پائین آمدن بازدهی کار و ایجاد نارضایتی مردم به نظام مقدس جمهوری اسلامی خواهد شد.

پرنده‌ای در قفس



درگوشهٔ شرقی میدان امام بوشهر، کیوسک روزنامه فروشی کوچکی قرار دارد که بیشتر شبیه قفسی است که اغلب اوقات گویی پرندهٔ بی‌بالی را در دهانه تنگ خود، به نمایش گذاشته است. پرنده‌ای که همیشه نیز خسته بنظر می‌رسد، و با بال بال کردن روزنامه‌های آویخته به نخ، انگار که قصد پریدن دارد و نمی‌تواند.

برای چندمین بار به این قفس نزدیک می‌شوم تا اگر فرصتی دست دهد، گپ و گفتی بااسیر آن داشته باشم. اماهمیشه دور و برش شلوغ است و بقول خودش فرصت سر خاراندن هم ندارد. به هر حال،، در یک غروب خلوت تعطیلی، او را به چنگ می آورم و بی مقدمه از وی می‌پرسم:

□ از خودت بگو،اینکه کی هستی و چه می‌کنی؟

● من حسین دشتی هستم و ۴۲ سال سن دارم. شغلم نیز فروش نشریات است.

□ ولی خیلی پیرتر از سنت بنظر می‌رسی؟

● این هم حاصل شغل قبلی من است. بنایی و کارگل یعنی پیری زودرس!

□ پس با این حساب از شغلت کاملاً راضی هستی؟

● والله چه عرض کنم؟! اصل قضیه این است که‌آدم باید به اینکار علاقه داشته باشد، والا با این ده درصد حق فروشی که به ما می‌دهند، ره به جایی نخواهیم برد، چون قسمتی از این مبلغ را باید صرف حمل و نقل نشریات از فرودگاه تا محل نشریات کنیم، و بخشی را هم بابت نشریاتی که روی دلمان می‌ماند باید بپردازیم.

□ آیا بابت اجاره محل کارتان هم وجهی می‌پردازید؟

● بله. ماهی پانزده‌هزار تومان به انجمن حمایت از زندانیان. چون این کیوسک متعلق به آنهاست. البته بدون برق. ولی در استانهای دیگر، این شهرداری است که کیوسکهای بسیار بزرگ و مناسبی را با برق و تجهیزات کامل، دراختیار فروشندگان مطبوعات قرار داده است. ببینید! ما در این کیوسک کوچک اصلاً جایی برای عرضه و حتی نگهداری موقت نشریات هم نداریم! و چون مجبوریم که آنها را روی هم بچینیم، اغلب اوقات نمی‌دانیم که چه نشریاتی در اختیارمان است!

□ عمده ترین مشکل شما در حال حاضر چیست؟ .

● بیشتر از همه عدم یک سیستم درست و حسابی توزیع مطبوعات دراستان است. مخصوصاً درشهر بوشهر بجای آنکه نماینده مطبوعات، خودشان روزانه نشریاتشان را به ما تحویل دهند، فروشندگان را مجبور کرده‌اند که جهت تحویل گرفتن سهمیه خود، به فرودگاه رفته و از هواپیمایی تحویل بگیرند!!

□ از مردم چه توقعاتی دارید؟

● اینکه مشکلات ما را درک کنند . بجای آنکه بعلت عدم توزیع درست مطبوعات، فقط کاسه کوزه‌ها را سر ما بشکنند، یک مقدار هم به مسئولین فشار بیاورند.

□ آقای دشتی! مردم معتقدند که فروشندگان نشریات دربوشهر، اکثراً اخمو، عصبی و بدبرخورد هستند، نظر شما چیست؟

● مردم درست می‌گویند. ولی این امر هم برمی‌گردد به همان سیستم نادرست توزیع و کمبود جا که عرض کردم. درنظر بیاورید فروشنده‌ای را که صبح اول وقت مجبور است که چند ساعتی از وقتش را در فرودگاه تلف کند. بعد با عجله خودش را برساند به دکه‌های تنگ و ترشی که پر است از نشریات باد کرده! سپس در همین جای اندک ، مشغول مرتب کردن صفحات درهم و برهم روزنامه‌ها بشود. ضمناً از دو حال هم خارج نیست، یا سرما و باد و باران است، و یا گرمای طاقت فرسای تابستان است. خوب در همین اوضاع و احوال، تعداد زیادی مشتری کم حوصله و عجول که تک به تک آمده‌اند و می خواهند با هم بروند، مدام بر سرت داد و فریاد راه می‌اندازند!! به راستی جایی برای لبخند زدن باقی می‌ماند؟! با این همه، بنده شخصاً از تمامی کسانی که احتمالاً از برخوردهای بنده دلخور شده‌اند، صمیمانه پوزش می‌طلبم.

□ آیا می‌توانید پرفروشترین و کم فروشترین نشریاتی را که توزیع می‌کنید، نام ببرید؟

● از میان مطبوعات سراسری، پرفروشترین آنها "ابرار ورزشی" است که اغلب خوانندگان آن جوانها هستند، وکم فروشترینشان نیز روزنامه‌های "رسالت" و "فردا" است که بیشتر از طرف ارگانها و ادارات خریداری می‌شوند. ضمناً هفته‌نامه‌های "روزهای زندگی" و "خانواده" نیز جزء پرفروشترین‌هایی هستند که توسط خانمها خریداری می‌شوند. در میان نشریات محلی هم درحال حاضر "نسیم جنوب" پرفروشترین است.

□ این را بخاطر خوشایند ما می‌گوئید؟

● خیالتان جمع باشد که من اهل تعارف نیستم!

□ بهترین و بدترین خاطره دوران روزنامه فروشی شما چیست؟

● بهترین خاطره‌ام این است که یک روز پدر یک دختر خانم محصل که او را می‌شناختم، پس از خرید روزنامه‌ای که نام قبول شدگان کنکور در آن درج شده بود، از اینکه نام دخترش جزء قبولی‌ها نبود، آنقدر متأثر شد که از شدت تأثر به گریه افتاد. یکی دو روز بعد، ناگهان چشم من به نام همان دختر خانم درنشریه "پیک سنجش" افتاد که در ردیف قبول شدگان درج شده بود. با وصفی که پاسی از شب می‌گذشت، به در خانه شخص مذکور رفته و خبر قبولی وی را به آنها دادم که بی‌نهایت خوشحال شدند. و اما بدترین خاطره‌ام مربوط می‌شود به یک روز بارانی که جهت دریافت سهمیه نشریات خود، به فرودگاه رفته بودم. پس از آنکه گونی محتوی نشریات مختلف را بدوش گرفته و می خواستم ازمحوطه فرودگاه وارد خیابان شوم، ناگهان پایم لغزیدوبا سر به درون جویی که مملو از آب بود افتادم که متأسفانه علاوه بر دردی که کشیدم، تمامی روزنامه‌ها نیز خیس و غیرقابل استفاده گردید.



از دیلم، پدر «زینب علیمرادی» شعری را که هنگام تولد فرزندش سروده است برایمان فرستاده،مجموع حروف اول مصراع‌های این شعر نام و نام‌خانوادگی دختر کوچولوی اوست.زینب الان سه ساله است.

زندگی را پر از صفا کردی
یادگار دلم، وفا کردی
نام نیکت بروی لبهایم
بار غم را زمن جدا کردی
عشق خودراتوباتمام وجود
لایق قلب آشنا کردی
یاد خوبت درون دل جاری
مرهم آسا دلم دوا کردی
راحت روح و جان من گشتی
ای که جان راز غم رها کردی
دم بدم با صفای آمدنت
یاد من رابراز خداکردی

قابل توجه خانواده‌ها

★★★★★★★★

فرزندان، گلهای خندان زندگی‌اند، عکسهای یادگاری آنان در روزنامه، ثبت خاطرات خوش ایام کودکی است.

نسیم جنوب به‌منظور تشویق کودکان شما اقدام به چاپ رایگان عکس کودکان ۵ سال به‌پائین می‌نماید. عکس‌های کودکان خود را با درج نام و نام خانوادگی، سن آنان و شهرمحل سکونت برای ما بفرستید.



گلزار مهدی‌زاده/ ۳ ساله/ بوشهر



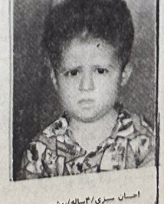
محدثه نجاری‌زاده/ ۲ ساله/ چغادک



محمدرضا فاتح/ ۲ ساله/برازجان



سیده‌سعیده‌میربهرسی/۵ساله/بوشهر



احسان سبزی/۴ساله/بوشهر



سیده‌زینب فرحی/۳ساله/بوشهر



هما موحد/۴ساله/بوشهر

شاهین و ایرانجوان بوشهر را از نابودی نجات دهید

● حسن غریبی

ورزش شهرستان بوشهر در رشته فوتبال رو به نابودی است هفتادوچند سال پیش، حدوداً بعد از جنگ جهانی و حضور انگلیسیها در بوشهر فوتبال در این شهر قدیمی با حضور چند تیم شکل گرفت. بعدها در سال ۱۳۳۶ تیمی بنام خلیج پا گرفت که نهایتاً به شاهین فعلی منتهی شد. پس از انحلال شاهین تهران نامهای شهباز و تابان و پس از انقلاب مجدداً شاهین کنونی همراه اینان یعنی چند سال بعد حریف دیرینه‌شان "جوان" بود که پس از تحولاتی در سال ۱۳۳۰ به ایرانجوان تغییر نام یافت. دو رقیب دیرین سالیان متمادی را بصورت گسترده چه در داخل و چه در خارج میدان به رقابت پرداختند. تیمهای دیگری نیز بعدها بوجود آمد بدین شکل که هر نفر اسامی یازده نفر را می‌آورد یک دست لباس و یک توپ دریافت می‌کرد و در همان زمان تیمها مثل قارچ در بوشهر روئیدند به اسامی تیمها کاری نداریم فقط اشاره‌ای کردیم به سابقه فوتبال در بوشهر و چگونگی بوجود آمدن تیمها. با حضور شاهین بوشهر در لیک دسته یک ایران بجای حمایت، صدای زیادی در بوشهر به پا شد هر کس می‌گفت حق من بوده‌است. صدرا و ایرانجوان به تمامی مسئولین استان و حتی کشور شکایت کردند ولی حق با شاهین بود. صدرا و ایرانجوان مدعیان دیگر به مناطق فراخوانده شدند و هر دو تیم بوشهری به اهداف خود نرسیدند.

آن زمانها که خبری از اسکناسهای رنگارنگ و چکهای چند رقمی نبود و حق عضویت هم مرتب پرداخت می‌شد. بازیکنانی نظیر پوربهی، حسن‌پور، عالی غریبی، خجسته، تورانی، پورچنگی، رزمی، برادران چاهی‌بخش و بوالخیری رشد می‌نمودند، در آن زمان فوتبال تشکیلات دیگری داشت و حرارت ورزشگاهها به منازل و خانواده‌ها کشیده می‌شد، تعصب و غیرت که برای بعضی‌ها معنی و مفهومی ندارد چیز دیگری بود. کلمه شاهین به عنوان آمال و آرزوهای یک شاهینی به تمام معنی بود، قدری روشنتر سخن بگویم، شناسنامه اولین فرزند یک خانواده بنام شاهین صادر می‌شد. اما الان فوتبال بوشهر با آن شهر کوچک نزدیک به چهل تیم دارد که به هر کدام که بنگری درست و حسابی نمی‌یابی. بازیکنان این شهر و استان ۹۰ درصد توان ۹۰ دقیقه فوتبال را ندارند که به عواملی نظیر فیزیک بدنی، تغذیه و نحوهٔ تمرین مربیان و ایجاد نظم و انضباط برمی‌گردد. تیمهای شاهین و ایرانجوان در این چند سال هر چه توانسته‌اند بازیکن نیم متری دور خود جمع کرده‌اند و در نتیجه در مقابل بازیکنان خوزستان، تهران، گیلان ... مقهور حرکات و بازی حریفان شدند. از استاندار محترم و امام جمعه و نماینده مردم استان در مجلس و مسئولین ادارات و نهادها خواستاریم نماینده استانمان شاهین بوشهر و مقاومت برازجان را حمایت کنند صدرا گسترش با این همه امکانات از هم پاشید. نگذارید شاهین و ایرانجوان دو تیم قدیمی شهرمان نیز نابود شوند.

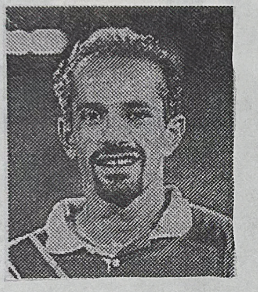


تیم فوتبال کیان پارس چغادک اعلام موجودیت نموده و استعدادهای خود را معرفی می‌کند. اعضاء تیم ایستاده از سمت چپ: آقایان حسین پورحیاوی (سرمربی)، عبدالله جباری (دروازه‌بان)، حبیب جاسم نژادیان، سید کریم موسوی، هاشم طویلی‌پور، منصور فلح نصاری، ناجی بحرانی، رضامقاتلی (دروازه‌بان)، سیدمحمد موسوی، محمود خمیسی، مجید خمیسی (بدنساز)، سید لطیف عطیه‌زاده (کمک مربی) نشسته از سمت چپ: سید محمد هاشمی، محمود مهناوی، فرهاد معرفاوی، سیدحکیم موسوی، نادر سالمیانی، جواد مهناوی، رحیم بحرانی، سیدمنتصر موسوی (کاپیتان)، مهدی مهناوی (هماهنگ کننده) بازیکنان ذخیره: علی دوانی، حمید خمیسی

پاس، قهرمان باشگاههای دسته اول دشتی

مسابقات فوتبال باشگاهی دسته اول شهرستان دشتی (خورموج) با شرکت ۷ تیم بصورت دوره‌ای آغاز و در پایان با قهرمانی تیم پاس خاتمه یافت و تیمهای عقاب و شاهین به ترتیب دوم و سوم شدند. در ضمن عبدالحمید اسماعیلی (شهباز)، کاووس اکفوره (پاس)، ارسلان امیری (عقاب)، مسعود حاجیانی (ابومسلم)، سید ابراهیم اسماعیلی (شاهین)، عسکر شیخیانی (استقلال) و عباس فقیه (خلیج) از جمله با اخلاقترین بازیکنان این دوره از مسابقات بودند.

اسامی تیم قهرمان (پاس): مسعود قاسمیان‌زاده، عبدالرضا علی‌نژاد، علی کازرونی، مرتضی حیاتی، غلامرضا حیاتی، خداکرم قایدی، سلمان کشاورز، کاووس اکفوره، محمد منصوری، ابراهیم احمدی، سید علی عبدالهی، غلامرضا عبدالشاهی، حسین توبال، شعبان ارمی، محمدرضا قایدی، عباس باغبانی، محمد غریبی، ابراهیم رزاق پناه. مربی: سیدعبدالله هاشمی. سرپرست: جسن صفری



پست جدید برای خاکپور

کمتر از دو ماه به بازیهای جهانی است در چند بازی گذشته تیم ملی، ایویچ از چندین بازیکن برای خط دفاعی و میانی استفاده کرده است از جمله بازیکنانی که در خط دفاعی تیم ملی استفاده شده محمد خاکپور است که شاید بیشتر از بقیه بازیکنان در این پست محک خورده ولی متأسفانه در اکثر بازیها در پست مدافع راست بازی قابل قبولی را ارائه نکرده است. در بازی با جامائیکا ایویچ از خاکپور به عنوان هافبک دفاعی استفاده کرد و او نیز در این پست خوب بازی کرد و به خوبی فضای میانی زمین و جلوی خط دفاعی ایران را پر کرد. با توجه به اینکه او اولین بار هم که به تیم ملی دعوت شد به عنوان مدافع یارگیر بازی کرد بنظرمی‌رسد که دیگر اصرار مربیان تیم ملی برای بازی کردن او در جناح راست خط دفاعی تیم ملی بیجا می‌باشد. وجود او در کنار استیلی و باقری در خط میانی تیم کمربند میانی تیم ایران را محکم خواهد کرد.

«مهدی عباس‌زاده»

مسابقه مینی فوتبال در خورموج

یک دوره مسابقات مینی‌فوتبال در هنرستان شهید حیدری‌پور شهرستان دشتی (خورموج) با شرکت ۱۵ تیم از کارکنان، و هنرجویان بصورت دو حذفی آغاز و در پایان دو تیم خیبر و شعله توانستند با شکست رقبای خود به فینال مسابقات راه یابند.

در دیدار پایانی تیم شعله توانست حریف خود را در ضربات پنالتی مغلوب و قهرمان این دوره مسابقات شود

اسامی تیم شعله: روح‌الله احمدیان، ابراهیم فقیه سلمان باغبانی، حمزه خواجه، احمد علیزاده، اکبر حیدری ، فرامرز عبدالشاهی، حسین قایدی. مربی تیم: ابراهیم فقیه



عزت راویان، سرپرست ورزش آمادگی جسمانی بانوان بوشهر:

برخی مسئولین مخالف ورزش کردن زنان کارمند هستند

□ ضمن تشکر از شما لطفاً خودتان را معرفی کنید.

● عزت راویان هستم، سرپرست آمادگی جسمانی بانوان استان و سرپرست ورزش بانوان‌اداره کل بنادروکشتیرانی استان بوشهر.

□ لطفاً سابقه ورزشی خود رابیان کنید.

● از بدو شروع فعالیت رشته آمادگی جسمانی که حدود ۱۱ سال است به ورزش پرداخته‌ام، ازسال ۷۳ به مدت یک سال و نیم در سمت مسئول هیئت تکواندو بانوان استان بوشهر فعالیت نموده‌وازسال ۷۵ در سمت سرپرست هیئت آمادگی جسمانی تاکنون فعالیت دارم.

□ آیا خانواده‌تان با ورزش شما مخالفتی ندارند؟

● نه تنها مخالفتی نداشته بلکه خیلی خوب‌استقبال می‌کنندو همسروفرزندانم مشوقم هستند.

□ وضعیت ورزش زنان دراستان بوشهر چگونه‌است؟

● ورزش زنان در سالهای اخیر با استقبال خوبی مواجه شده و زنان روزبه روز بیشتر به ورزش روی می‌آورند و در همهٔ رشته‌های ورزشی فعال شده‌اند زیرا برای همه ثابت شده که ورزش نه فقط ازنظر جسمانی بلکه ازنظر روحی نیز اثر مطلوبی دارد.بهمین دلیل خانمهائی که ناراحتی روحی یا جسمی دارند بعد از اینکه مدتی به ورزش پرداختند سلامتی خود را بدست می‌آورند.

□ از چه وقتی ورزش زنان در بوشهر شروع شد؟

● بعدازانقلاب مدتها ورزش بانوان راکد مانده بود،حدود یازده سال‌است که ورزش بانوان دربوشهر فعال شده است.

□ بطورکلی زنان چه مشکلاتی در زمینه ورزش دراستان دارند؟

● مشکلات زیادی است که عمدهٔ آن برمی‌گردد به خانمهای‌کارمندکه با وجود اینکه به کلیهٔ ادارات بخشنامه شده که خانمهای کارمند در هفته ۳ روز و هر روز از ساعت ۷ تا ۸ صبح درسالن به ورزش بپردازند ولی متأسفانه بعضی از مسئولین ادارات از شرکت نمودن خانمهای کارمند جلوگیری می‌نمایند، با وجود اینکه در سال اول که بخشنامه شده بود با استقبال خانمهای کارمند روبرو شدیم ولی کم‌کم تعداد آنها کم شد و وقتی از آنهاسئوال می‌کنیم مخالفت مسئولین خودرا ذکر می‌نمایند،بعضی از خانمهای خانه‌دار نیز داشتن فرزند کوچک یا فرزندانی که به مدرسه می‌روند راعلت ورزش نکردن خود ذکرمی‌کنند.

□ آیاورزش زنان به زندگی در خانواده لطمه نمی‌زند؟

● خیر اگر خانمها ساعت روزانه خود راتنظیم نمایند خیلی راحت می‌توانند هم به ورزش بپردازند و هم به کارهای منزل.

□ ورزشکاران زن عمدتاً از چه گروههایی هستند؟

● البته رشته‌های ورزشی مثل تنیس روی میز یا بدمینتون یا والیبال بیشتر جوانان استقبال می‌کنند ولی در رشته آمادگی جسمانی در همه گروه‌های سنی زنان فعالیت دارند، از سن ۶ سالگی تا ۶۷ سالگی جزء ورزشکاران این رشته می‌باشند.

□ اثر ورزش در زندگی خانوادگی چگونه است؟

● ورزش کردن زنان بر روی افراد خانواده تأثیر خوبی می‌گذارد وقتی که خانم خانه به ورزش بپردازد هم از نظر جسمی و هم ازنظر روحی کاملاً سالم می‌ماند و بهتر می‌تواند با فرزندان خود رفتار کند، بهتر آنها راتربیت کند،به کارهای آنها رسیدگی کند، بیشتر آنان را درک کند، با همسر خود رفتار خوبی داشته باشد و احترام بیشتری بگذارد و در فعالیتهای ورزشی - اجتماعی و تفریحی خانواده بیشتر شرکت کنند.

□ درطول مسابقات قهرمان کشوری با چه مشکلاتی روبرو هستید؟

● بعلت رطوبت زیاد در استان بوشهر و فعالیت تیم آمادگی جسمانی در سالنهای سرپوشیده، دراستانهایی که هوای خشک دارند و مسابقات قهرمان کشوری در آنجا برگزار می‌شود ورزشکاران ما با مشکلاتی از نظر هوا روبرو هستند بخصوص در موقع دو، هوای خشک باعث خشک شدن سریع گلو و سوزش در سینه ورزشکار می‌شودکه این مشکل باعث جلوگیری از فعالیت و سرعت آنها می‌شود. متأسفانه مسئولین امر تاکنون فکری برای این موضوع نکرده و فضاهای باز مثل استادیوم‌های ورزشی فقط در اختیار برادران می‌باشد و به بانوان اجازه استفاده از فضای باز نمی‌دهند.

دانش آموزان ممتاز دبستان فرهنگ



معین پاکباز
کلاس اول



میلادمرجح غانمی
کلاس اول



سعید ویسی‌کوهنجانی
کلاس اول



حسن کیانی
کلاس اول



بلاش میگلی
کلاس اول

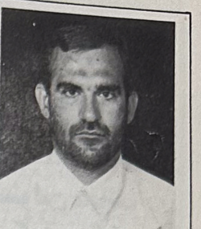


ارش تشکری
کلاس اول

سال ۷۶
سال دوم خرداد در استان بوشهر

گذری بر چگونگی برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در بوشهر

● حسن لاوری



بی‌شک تاریخ این مرز و بوم روزهای پر شکوه و پر عظمت زیادی بخود دیده، روزهایی که سرنوشت یک ملت را دگرگون نموده و آینده‌ای روشن فرا روی آنان قرار داده است. روز ۳۰ تیر، ۱۵ خرداد، ۲۹ اسفند، ۱۳ آبان، ۱۲ بهمن، ۲۲ بهمن، ۱۲ فروردین ... و بالاخره دوم خرداد سال ۷۶ از این روزهای هیجان‌انگیز و پر شور و نشاط تاریخ میهن اسلامیمان می‌باشد.

سال ۷۶ در حالی خود را به استان بوشهر می‌رساند که کشور می‌رفت در تب و تاب انتخابات ریاست جمهوری قرار گیرد. این استان محروم سال ۷۵ را با حضور سیدی بزرگوار در جمع خویش به پایان می‌رساند. ۱۶ و ۱۷ اسفند ماه سال ۷۵ مردم استان بوشهر شاهد حضور ساده و صمیمانه جناب آقای حجةالاسلام والمسلمین سید محمدخاتمی در بین خود بودند. این حضور دومین سفر ایشان بعد از اعلان آمادگی برای نامزدی پست ریاست جمهوری به استانهای کشور بود. مردم شهرستانهای بوشهر، برازجان، خورموج و بخش ساحلی دلوار با استقبال گرم خویش امید پیروزی را در دل مردم کاشتند. سال ۷۶ با هیجانات اولیه انتخابات شروع شد، جمعی از برادران، حاج بهرام‌نکیسا، عباس صیادی، مهدی فتوت، سعید زرین‌فر و .... از بنیانگذاران دفتر آقای خاتمی در استان بوشهر بودند که با تشکیل جلسات مکرر اقدام به برنامه‌ریزی، سازماندهی و تهیه امکانات مردمی برای ستاد انتخاباتی نمودند.

اوضاع سیاسی، اجتماعی، تبلیغاتی کشور در آن زمان هیچگونه نقطه امیدی برای پیروزی در انتخابات توسط آقای خاتمی را نشان نمی‌داد بلکه بر عکس همه تحلیل‌ها، برآوردها و ارزیابی‌های اولیه حکایت از پیروزی بلامنازع رقیب آقای خاتمی داشت. ولی در استان بوشهر اعضای ستاد مرکزی استان معتقد بودند گرچه آقای خاتمی در سراسر کشور نفر اول نخواهد شد ولی در استان بوشهر قطعاً نفر اول خواهد بود. بالاخره با تلاش و همت دوستان در ستاد مرکزی استان اولین دفتر سید محمد خاتمی در اوایل اردیبهشت ماه در شهر بوشهرو در میدان امام(ره) افتتاح گردید. پس از آن با تلاش شبانه‌روزی حاج آقا نبوی و آل بویه و دیگر برادران، دفاترهای دیگر در شهرستانهای استان شروع بکار نمودند. اندکی پس از آن با کوشش اعضای دفتر آقای خاتمی در استان، دفتر کارگزاران سازندگی در بوشهر توسط آقای غلامرضا فرخی افتتاح گردید مدتی بعد از آن دفاتر دیگر کاندیداهای مطرح نیز شروع به فعالیت نمودند.

در حالی‌که ماهها و سالهای قبل توسط بعضی از کاندیداها فعالیتهای تبلیغاتی در کشور شروع شده بود ولی رقابت انتخاباتی در استان بصورت فعال از نیمه اول اردیبهشت ماه عیان گردید و صف بندیها ملموس و شفاف شد. ستاد تشکل‌های اسلامی همسو (ستاد تبلیغاتی حجةالاسلام ناطق نوری) در استان بوشهر با حضور عضو مؤثر هیئت مؤتلفه شهرستان دیلم با سه تن از مدیران کل ادارات (مدیر کل سابق بازرگانی بوشهر، مدیر کل سابق بنیاد جانبازان انقلاب اسلامی بوشهر، مدیر کل اداره زندانهای استان بوشهر) و تعدادی از اعضای ستاد انتخاباتی نمایندگان مجلس و رئیس کمیته امور صنفی شهرستان بوشهر، با همکاری و همفکری مدیر کل بنیاد شهید انقلاب اسلامی بوشهر (رئیس هیئت نظارت شورای نگهبان در استان) مدیر کل سابق صدا و سیمای بوشهر، رئیس دانشگاه علوم پزشکی بوشهر و ... شکل گرفت و در ایام تبلیغات رسمی انتخابات ستادی دیگر بنام جامعه روحانیت مبارز تهران، دفتر بوشهر با مسئولیت حجةالاسلام سعادتمند روحانی بوشهری مقیم قم و همکاری و همیاری میرزا ابراهیم دشتی و حاجیانی نماینده مردم دشتی، تنگستان، دیر و کنگان، شروع به تبلیغات به نفع جناب آقای ناطق نوری نمودند.

قبل از شروع تبلیغات رسمی حضرت آیت ا... بیات از طرف دفتر آقای خاتمی، آیت ا... ریشهری از طرف جمعیت دفاع از ارزشها و مهندس باهنر و مهندس یحیوی نمایندگان مردم تهران از طرف ستاد تشکل‌های اسلامی همسو به استان دعوت و در چندین شهرستان سخنرانی نمودند. با شروع رسمی تبلیغات از طرف ستادهای انتخاباتی شخصیتهای برجسته سیاسی و فرهنگی کشور از جمله حضرت آیةا... توسلی (مسئول دفتر امام خمینی «ره»)، مهندس محمد سلامتی، مهندس مرتضی الویری، رضا امراللهی (رئیس سابق انرژی اتمی ایران)، مظفرنژاد، خانم‌ها گوهر الشریعه دستغیب، دکتر راکعی، دکتر وسمقی، خاتون خاتمی (خواهر سید محمد خاتمی) از طرف ستاد انتخاباتی خاتمی و آقایان عسکر اولادی (رئیس کمیته امداد امام «ره»)، اسدالله بادامچیان (معاون رئیس قوه قضائیه)، خانم مریم بهروزی ، دکتر عباسپور (معاون دانشگاه آزاد)، حجةالاسلام نمازی، میرزا ابراهیم دشتی، سعادت (نماینده ولی فقیه در نیروی دریایی سپاه)، از ستاد انتخاباتی آقای ناطق نوری و حجةالاسلام ابوترابی از ستاد انتخاباتی ریشهری به استان بوشهر وارد و عمدتاً در



شهرستانهای بوشهر ، برازجان، خورموج، گناوه سخنرانی و مردم را به رأی دادن به کاندیدای مورد نظر خود دعوت می‌کردند.

اعلان حمایت و شرکت فعال در تبلیغات توسط پنج تن از ائمه جمعه استان، حجةالاسلام سید علی حسینی امام جمعه دیر، سید حبیب موسوی امام جمعه خارگ، عبدالباقی دشتی امام جمعه خورموج، علی الهی امام جمعه دیلم، حسین بهجتی امام جمعه گناوه، دو تن از نمایندگان سابق استان در مجلس خبرگان - حجةالاسلام میرزا ابراهیم دشتی و عبدالنبی نمازی-، پنج تن از نمایندگان سابق و کنونی استان در مجلس شورای اسلامی ، آقایان محمد خواجه‌پور از حوزه انتخابیه بوشهر، گناوه، دیلم، شهریاری و حاجیانی از حوزه دشتی، تنگستان، دیر و کنگان و رازقی و قاسمی از حوزه دشتستان و همچنین حضرات آیات میرزا احمد دشتی نجفی، الهی و حجةالاسلام سید هاشم حسینی (قائم مقام وقت مدیریت حوزه علمیه قم) بصورت وسیع با نوشتن اعلامیه، شرکت در مجامع عمومی و خصوصی و سخنرانی بمناسبت ایام عزاداری سرور شهیدان امام حسین (ع) به‌نفع جناب آقای ناطق نوری و همچینن سخنرانی هماهنگ و برنامه ریزی شده ائمه جمعه مذکور و تعدادی از نامبردگان فوق در آخرین شب تبلیغات برای ناطق نوری. در حالی که ستاد انتخاباتی آقای خاتمی در استان تنها از حجةالاسلام و المسلمین سید محمدحسن نبوی نماینده سه دوره بوشهر در مجلس شورای اسلامی بصورت فعال استفاده می‌برد و از حمایت آیت ا... بحرانی، سید عبداله حسینی بنجوی، حجةالاسلام سید موسی ابطحی و سید عباس موسوی کراماتی و ... برخوردار بود. در اینجا از موضعگیریهای خوب و پسندیده حجةالاسلام فاضل فردوسی امام جمعه بوشهر و حسنی مُهری امام جمعه برازجان علی رغم مسائل خاصی که داشت می‌توان به نیکی یاد کرد.برخی از مخالفان خاتمی در استان بوشهر نیز همانند سراسر ایران با پخش شایعات و توزیع وسیع نشریات یالثارات و شلمچه و تراکتهای مختلف قصد تخریب شخصیت والای سید محمد خاتمی را داشتند. بطوری که شنیده شده بیش از ۴۰ هزار نشریه یالثارات و شلمچه در استان توزیع گردیده است.

وضعیت مالی ستادهای انتخاباتی بعضی از کاندیداها حکایت از سرمایه‌گزاری بسیار وسیع عده‌ای خاص را داشت. در حالی که ستاد انتخاباتی آقای خاتمی جهت چاپ اعلامیه و آگهی به نشریات در مضیقه شدید مالی بود. ستاد انتخاباتی آقای ناطق نوری براحتی روزانه دهها اعلامیه، تراکت و اگهی چاپ و توزیع می‌کرد.

علی رغم حمایت شخصیتهای با نفوذ استان از آقای ناطق نوری، توزیع وسیع یالثارات و شلمچه، سخنرانی‌های بعضی از روحانیان در دهه محرم بنفع آقای ناطق نوری، سرانجام گوشه‌ای از حماسه دوم خرداد در استان بوشهر رقم خورد. شرکت گسترده و فراگیر مردم استان همانند سراسر کشور اعجاب همه را برانگیخت و رای بالای ۸۴/۸ درصد مردم به جناب آقای سید محمد خاتمی موجی از شور و شعف در سراسر استان ایجاد نمود و رقیب با استفاده از امکانات بسیار تنها ۱۲/۹ درصد رأی استان را بدست آورد.

این رأی به آقای خاتمی استان بوشهر را دومین استان بعد از زادگاه ایشان (یزد) در کشور قرار داد و افتخاری جاودانه برای مردم این استان بجای گذاشت .

در استان بوشهر نیز شهرستان کنگان با ۸۸ درصد آرا به آقای خاتمی اولین شهرستان استان و بوشهر و گناوه هر کدام با ۸۵ درصد با اندکی اختلاف به ترتیب دوم و سوم شدند . پس از انتخابات شور و هیجان و انتخابات و پیروزی اعجاب انگیز جناب آقای خاتمی، تمامی مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی استان را تحت الشعاع قرار داد. بطوری که هر اقدامی با حرکت دوم خرداد سنجیده می‌شد و چنانچه با آن همخوانی داشت مطلوب بود و لاغیر.

پس از این پیروزی بزرگ، مردم منتظر تغییرات وسیع در استان بودند و برای این کار روزشماری می‌کردند. بعد از تنفیذ حکم ریاست جمهوری سید محمد خاتمی توسط رهبر معظم انقلاب و معرفی هیئت وزیران به مجلس لزوم تغییرات در استان بین مردم بیشتر احساس می‌شد. با انتصاب دکتر ابراهیم انصاری لاری بسمت استانداری بوشهر در مهرماه سال ۷۶ و انتصاب مدیران کل آموزش و پرورش، ارشاد اسلامی ، بازرگانی، شیلات تغییرات شروع شد ولی ادامه نیافت. گرچه این تغییرات لازم بود ولی کافی نیست. مردم استان بوشهر همچون دیگر مردم نقاط کشور منتظر تغییر و تحولات بودند ولی متأسفانه بجز چند شهرستان آن هم در سطح محدود هیچگونه تغییری را بخود ندیدند.

از دیگر نتایج انتخابات دوم خرداد در استان انجام مقدمات تشکیل قانونی مجمع پیروان خط امام در استان بوشهر (که عمدتاً از نیروهای ستاد تبلیغات انتخاباتی سیدمحمدخاتمی می‌باشند) بود و در سال ۷۶ جلسات مجمع پیروان خط امام استان بوشهر در شهرستان بوشهر با حضور استاندار محترم بوشهر، در شهرستان گناوه با حضور حجةالاسلام منتجب نیا عضو مجمع روحانیون مبارز، در تنگستان با حضور معاونت محترم سیاسی-امنیتی استانداری بوشهر، در کنگان با حضور مدیران کل آموزشی و پرورشی و ارشاد اسلامی بوشهر تشکیل گردید. اعضای این مجمع در آخرین روزهای سال ۷۶ دیداری با معاون محترم حقوقی و پارلمانی رئیس جمهوری حجةالاسلام والمسلمین موسوی لاری داشتند.

جوابی برای مطلب «خفاشان بدانند»
ای کاش خفاش بودم

● سهند صابری

در رابطه با مطلبی تحت عنوان «خفاشان بدانند» که در شماره قبل چاپ کرده بودید خواستم چند نکته را به نویسنده آن تذکر دهم. نمی‌دانم چرا ایشان فرموده‌اند که «امیدوارشدم که حزب‌الله همچنان در صحنه است.» واقعاً مگر چه تعریفی از حزب‌الله دارید که فکر می‌کنید که با حماسه دوم خرداد حزب‌الله از صحنه خارج شد و به تاریخ پیوست. آری انسان می‌تواند حزب‌اللهی باشد اما پرده سینماها را ندرد. انسان می‌تواند حزب‌اللهی باشد اما با "رنگ بوکس" مثل تاتارها به دانشگاه حمله نکند.چرا فکر می‌کنید حزب‌اللهی گریز و حزب‌اللهی ستیز هستیم. چرا فکر می‌کنید که ما حماسه‌سرایان دوم خرداد حزب‌اللهی نیستیم، چرا فکر می‌کنید که ما جوانان وبه قول شما "خفاشان" مخالف دین و ایمان و عزت مردم ایران هستیم. مگر کسانی که شما آنان را خفاش می‌دانید چه هیزم تری به شما فروخته‌اند جز افتخار و سربلندی بوشهر و ایران در تمام جهان. واقعاً از ته دل آرزو می‌کنم که ای کاش این چنین خفاشی بودم تا "آدم نماها" با من سرستیز داشتند اما برای "انسانها" و "ابرانسانها" مایهٔ افتخار بودم. ای کاش می‌توانستم «خون رگان خود را من قطره قطره بگریم تا باورم کنند این خلق بی‌شمار». چرا شما مثل ۱۵۰۰ سال قبل فکر می‌کنید. مگر به راستی چه فرقی میان دختران و پسران وجود دارد؟ چرا فکر می‌کنید که دختر و زنان عزیز ما جنس پست هستند؟ چرا فکر می‌کنید که دختران ما باید زنده بگور شوند؟ دختر و زنانی که باید در جامعه حضوری فعال داشته باشند و زیر پرچم مقدس جمهوری اسلامی با حجاب کامل بر صحنه مقدس هنر و تئاتر حضور یابند تا مایهٔ مباهات ما باشند. آیا می‌دانید که همین زنان بزرگوار بوشهری در همه جا مایهٔ افتخار ما شده‌اند؟ آیا قانون و قانونمندی برای انسان مضر است؟ حیوانات با وجود اینکه حیوانند برای خود قانون دارند و از حیطهٔ قانونی خود بیرون نمی‌روند پس شما و ما که نام مقدس اسلام را بر دوش می‌کشیم، چرا نباید قانون داشته باشیم؟ چرا نباید ارمغان قرون جدید برای ما قانون و قانونمندی باشد. شما تا امروز بر مردم و انسانهای جامعه ما کابل و رنگ بوکس و چاقو کشیده‌اید، اما غافل از اینکه همین "خلق بیشمار" با "نگاهی و حتی پفی" می‌توانند شما را از صحنه خارج کنند و حزب‌الله واقعی، حزب‌اللهی که در چارچوب قانون با انسان برخورد می‌کنند و زیر پرچم مقدس اسلام و ولایت در دامان انقلاب پروریده شده‌اند را بر جنازهٔ شما که فکر می‌کنید با دیدن یک فیلم هنری - اجتماعی دل درد و قلب درد می‌گیرید حکمفرما کنند. اما تو را به حضرت عباس (ع) قسمت می‌دهم که یک خط کفرآمیز از نسیم جنوب به من نشان بدهی تا خود و خفاشان آن چون چند سال قبل به گوشه عزلت برویم. ما همه با هم دست به دست هم می‌دهیم و قانون اساسی را که بیش از ۹۸ درصد مردم به آن "آری" گفتند از وجود خفاشانی چون شما، عاری کنیم. باز هم می‌گویم که: ای کاش من هم چون کادر فن نسیم جنوب توسط شما خفاش نامیده میشدم تا سالهای بعد کسی بگوید:

آن یار کز وگشت سردار بلند
جرمش این بود که اسرار هویدا می‌کرد

در آخر از سردبیر عزیز خواهش می‌کنم جهت روشن شدن چشم ضعیف این برادران خفاش، مقالهٔ من را هم چاپ کند، تا هم این ستون به تریبونی آزاد تبدیل شود و هم آقایان خفاش به چشم‌پزشک مراجعه کنند و ببینند که در بطن جامعه چه می‌گذرد .

در حاشیه چاپ مقاله «خفاشان بدانند»
بیایید واقع بین باشیم

● محمد رضایی - آبپخش

بنده به عنوان یک ایرانی حقیر وظیفه خود می‌دانم نصایحی هر چند کوچک خدمت برادران عزیزم که مطمئناً از من آگاهترند عرض نمایم. برادران عزیزم! برای من و هر ایرانی دوست دیگر واقعاً زجر آور است که شاهد این مهم باشیم هر شماره که از هفته‌نامه نسیم جنوب که منتشر می‌شود، تعدادی از دوستانمان اگر چه از سر دلسوزی است اما هتک حرمتهایی را نسبت به عقاید یکدیگر روا می‌دارند. آیا این برادرانمان نمی‌دانند که با این کارها دشمنان انقلاب و دشمنان به اصطلاح دوست نما را شاد می‌کنند آیا آنها نمی‌خواهند باور کنند که حماسهٔ دوم خرداد افتخاری برای انقلاب و ولایت است و بیانگر عزم ملی مردم شهید داده است که برای پشتیبانی از مقام عظمای ولایت حرفهای ایشان را با جان و دل خریدند ودر انتخابات شرکت نمودند تا صرفاً مسئولیت شرعی خویش را در حمایت از ولایت نشان دهند و دل پیر خویش را شاد گردانند که ای سرور ما سی میلیون ایرانی جان برکف آماده‌اند تا فرامین تو را تا پای جان ایفا نمایند. آری با همه این روشنی چطور این برادرانمان به خود اجازه می‌دهند که حماسه دوم خرداد را شکستی برای گروهی از طرفداران اصیل انقلاب وپیروزی برای گروهی خاص بدانند و آنرا در قالب قلمهای خویش اما بسیار بدتر از چماق بر سر یکدیگر بکوبند و ذهن مردم را مغشوش کنند . پس بیائیم هر چیزی را که می‌خواهیم بنویسیم برادرانه و متعهدانه بنویسیم نه اینکه کلمه‌های قلمبه را بصورت شعارهای آهنین بر سر یکدیگر بکوبیم و اندیشه‌های یکدیگررا خرد نمائیم و دیگر هموطنان که این مطالب را می‌خوانند!گر چه خوب و بد آنرا تشخیص می‌دهند و بسیار بهتر از ما تحلیل می‌کنند اما ایجاد شبهه در ذهن یک نفر گناهی بزرگ و نابخشودنی است. اما در خصوص مقاله چاپ شده در شماره هفتم نسیم جنوب تحت عنوان «خفاشان بدانند» وظیفهٔ خود دانستم مطالبی برادرانه خدمت نویسنده مقاله عرض کنم.

برادر عزیزم هیچ کس حادثه دوم خرداد را شکست برای برادران حزب‌اللهی نمی‌داند بلکه آنرا افتخاری برای آنان می‌داند زیرا این مطلب را فهماند که سی میلیون ایرانی به درخواست رهبر لبیک گفته و حادثه دوم خرداد را آفریدند تا بار دیگر به دشمنان انقلاب و ولایت ثابت نمایندکه ما همچنان استوار و پرتوان در مسیر ... انقلاب زیر فرمان ولی فقیه‌مان قدم برمی‌داریم و اگر کسی بر خلاف این بیاندیشد مطمئن باش به گمراهی رفته است. اما در مورد این قسمت از مطلبتان که نوشته بودید:«شعار به اصطلاح آزادی و قانونمندی که سوغات غربزدگان از خدابی‌خبر است یعنی هر قلم بدست روشنفکر و غرب باوری اجازه بیابد که در جامعه اسلامی هر اهانتی خواست به مقدسات ما روا بدارد و کسی هم حق اعتراض نداشته باشد ....» باید خدمتتان عرض کنم که شعار قانونمندی همانطورکه مقام معظم رهبری فرمودند شعار زیبا و نیکویی می‌باشد و این بیانگر این مهم می‌باشد که اگر غربزده از خدا بی‌خبری مطالبی برخلاف عقاید مردم نوشت بر طبق همین قانون او را محاکمه کنند زیرا بر طبق اصل بیست و چهارم قانون اساسی "نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد..." پس خود این شعار آزادی و قانونمداری که از اصول جامعهٔ مدنی می‌باشد شعاری زیبا و پسندیده است. جامعه مدنی که به گفته رئیس جمهور محبوبمان ریشه در مدینةالنبی دارد و نه در جامعه مدنی غربی . پس بیائید دست در دست هم داده و با تحلیل واقع بینانه‌تر مسائل قلممان را در راه ترویج افکار امام راحلمان و حمایت از قائد عظیم‌الشأن خویش حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مانند سابق اما پرشورتر به حرکت درآورده، از این راه مشتی محکم بر دهان دشمنان انقلاب چه آنان که در قالب دوستند و چه آنان که مشخصند از این طریق بزنیم که به فرموده امام راحلمان "آینده از آن حزب‌اللهی است."

نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی
صاحب امتیاز : دکتر عبدالامیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
مدیر اجرایی : مهندس محمد مهدی بنچاری
مدیر فنی : حسین ابوالحسنی
بخش ادبی : منوچهر آتشی
بخش مقالات : سید. قاسم یاحسینی
بخش ورزشی : سید محمد سیدزاده
بخش هنری : حسین دهقانی
بخش اقتصاد : پرویز حاجیانی
بخش معارف : حجة الاسلام محمد فولادی
بخش سیاسی : خضرخلیلی
بخش خانواده : اعظم میرشکاری
بخش جوانان : محمدسعید فقیه
بخش عکاسی : عباس حیدری
چاپ ولیتوگرافی: چاپخانه علوی بوشهر، خ امام، خ شهید ...
آدرس: بوشهر، خ امام، خ فاطمیه، خ شهیدقیصی زاده، ...
هفته‌نامه نسیم جنوب-تلفن: ۳۵۸۲۰ صندوق پستی ...